

بررسی تطبیقی مولفه‌های هویت مکان در فضای خیابانی آبرسان و شریعتی تبریز

محسن احدنژاد روشتی^۱

مهدی اشلقی^۲

چکیده

هویت مکان پیش‌نیاز و پیش‌شرطی برای انسجام اجتماعی، شکل‌گیری و تقویت فرهنگ مدنی و دموکراتیک، همچنین محیطی جهت ایجاد نشاط و حیات شهری پایدار در سطوح کنش‌های فردی و اجتماعی شهروندان در متن فضا را دارد. هدف این مقاله بررسی تطبیقی مولفه‌های هویت مکان در فضای خیابانی آبرسان و شریعتی شهر تبریز است. مقاله حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی و همبستگی می‌باشد. داده‌ها با استفاده از منابع اسنادی (کتابخانه‌ای) و مطالعات میدانی (پرسشنامه محقق‌ساخته) گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کل کاربران هر دو خیابان مورد مطالعه بوده است که در این میان تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه مشخص و تعیین گردید. نمونه‌های تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در دو فضای خیابانی آبرسان و شریعتی انتخاب شدند. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون لون و تی‌تست دو نمونه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج کلی یافته‌ها که مبنای آن، نظریات کاربران فضای هر دو خیابان مورد مطالعه هست، نشان‌دهنده این امر است که از مولفه‌های چهارگانه (الگوهای شهرسازی، طراحی شهری، اجتماعی، و حسی و ادراکی) در قالب ده مقوله مورد بررسی هویت مکان، در حالت کلی خیابان شریعتی در بافت سنتی شهر تبریز بیشتر از آبرسان در بافت مدرن، هویت مکان را تولید می‌کند.

واژگان کلیدی: هویت مکان، امر فضایی، امر اجتماعی، خیابان شریعتی، آبرسان.

مقدمه

شهرشناسان مدت‌هاست این دیدگاه را دارند که پویایی‌های فیزیکی و اجتماعی فضای عمومی، نقش محوری در شکل‌گیری امر عمومی و فرهنگ عمومی دارند (نصیری و محمدی‌بالی، ۱۴۰۰: ۲۸۰؛ حسین‌آبادی، ۱۴۰۰: ۷۰). خیابان‌ها، پارک‌ها، میدان‌ها، و دیگر فضاهای مشترک شهری، به مثابه عناصری در بهزیستی، رفاه، نشاط و امکان حضور جمعی انسان‌ها، محل‌های مواجهه عمومی و شکل‌گیری فرهنگ مدنی، بیان و ابراز دستاوردهای سیاسی، فضایی برای ظهور و بروز قدرت و مبارزه برای به صدا در آوردن و خلق حقوق فردی و جمعی، خواسته‌ها و آرمان‌های شهروندان (Springer, 2010: 47-57) را به ما یادآور می‌شوند. از این زاویه دید، خیابان، زمینه‌ای بسیار مناسبی برای کاوش فرم‌ها و پویایی‌های فضایی یا شکل‌گیری امر فضایی - اجتماعی، و محل پیوند زدن نظریه با تجربه است؛ از این رو در بحث فضاهای عمومی، هیچ عنصری مهمتر و حتی دشوارتر از خیابان نیست. از منظر وجودشناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، خیابان‌ها به شکل اسرارآمیزی جذاب هستند. گویی شهر و خیابان چنان با هستی انسان شهری درهم‌تنیده شده است که

^۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول)

بدون این عنصر تصور وجود خود شهر غیرممکن می‌نماید؛ مدلول این سخن چنین است که خیابان، بخشی از نیاز هویت مکانی انسان شهری را بر می‌سازد. به علاوه به نظر می‌رسد که این نیاز به هویت مکان به هیچ وجه از این واقعیت، آسیب و خللی نمی‌بیند که چشم-انداز خیابانی پیرامون ما به طور مداوم تغییر می‌کند: ظهور ساختمان‌ها، گشایش رستوران‌ها و مغازه‌ها، پارک‌ها، راه‌ها و زیرساخت‌های جدید و... گواه سویه سیالیت فضایی متن آن را دارد، اما خاطر نشان بایستی ساخت که با وجود عنصر سیال در متن فضایی خیابان، مولفه ثابت و پایدار را همواره در جوهر خود حفظ می‌نماید، هر چند که همواره فرایند استعلایی را پیموده است که این همان خیابان است که روزانه از آن می‌گذریم، در عین حال که همواره با گذر زمان به سان بدن انسانی با رشد و تغییرات خود، متفاوت و در حال شدن است و به طور مداوم، مرزی با سایر خیابان‌های شهر برای خود ترسیم نموده است. بنابراین اگر بپذیریم که پویایی شهروندان و زندگی شهری مهیج، عوامل اصلی سازنده یک شهر خوب و هویت شهری هستند (بردی آنامرادنژاد، رازقی و آروین، ۱۳۹۸: ۲۰). می‌توان بر این مدعا پای فشرد که خیابان به عنوان یک فضای عمومی، ارزش افزوده‌ای بر مورفولوژی شهری، ساختار معماری شهری، ویژگی‌های مختلف اجتماعی و روانی محیط شهری و... را داراست (مدنی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۶۴-۲۶۶). بر این مبنا بی‌غلت نیست که امروزه در برنامه‌ریزی شهری، به جنبه انسانی و نیاز به ارتقای کیفیت در عرصه عمومی شهرها توجه بیشتری نسبت به قبل می‌شود (گل، ۱۳۸۹: ۱) تا از این طریق سلامت اجتماعی، سیاسی، فرهنگ مدنی، شکوفایی حس هویت جمعی، حفظ دموکراسی مشارکتی از طریق هویت مکان آنها رشد و تقویت گردد.

شهر تبریز از جمله کلانشهرهایی است که برخی از خیابان‌های این شهر به مفهوم واقعی «جذاب» هستند. از جمله این خیابان‌ها، فضای دو خیابان شریعتی و آبرسان از خیابان‌های اتومبیل‌محور در بخش سنتی و مدرن شهر تبریز انتخاب شده است. سال‌هاست که فضای این دو خیابان، تبدیل به خیابانی جذاب برای پیاده‌روی در بافت شهری تبریز گشته و این در حالی است که اساسا در طرح‌های شهری تبریز چنین برنامه‌ای برای این فضا توسط برنامه‌ریزان، طراحان شهری و مراجع شهری وجه غالب گفتمان فضایی آنها را شکل نمی‌داد، بلکه این امر از طریق استفاده مدام کاربران شهر تبریز و تغییرات فیزیکی در متن آن، این فضا تولید شده است و صورت‌بندی مجددی بر فضامندی خود به دست داده و تبدیل به مکان شده است؛ به طوری که فضای این خیابان‌ها، پاتوق جوانان و طیف عظیمی از روشنفکران از اواخر دهه ۱۳۴۰ و نیز حس زیباشناسانه ناشی از مغازه‌های رنگارنگ و نورانی، کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌های شیک و مدرن به همراه تنوعی از محلات و فضاها حال و هوای خاصی به فضای شهر بخشیده است. این مکان‌های برجسته که سال‌هاست جزو نماد-های تبریز مدرن به حساب می‌آید و محل استقرار واحدهای تجاری به روز و مراکز خرید گرانتیمنت، و محلی برای قدم زدن روزانه و عصرگاهی تبریزی‌ها و ساکنین این شهر شده است. شاید هیچ خیابانی چون شریعتی و آبرسان برای بسیاری از ایرانیان نه تنها در داخل، بلکه در خارج از کشور شناخته شده و برجستگی خاص را نداشته باشد. از چنین منظره‌ای هدف این پژوهش کوششی جهت شناسایی نحوه هویت‌یابی این فضاهای خیابانی برای گروه‌های استفاده‌کننده و کنشگران این فضاهاست. روشن است که با شناسایی این مولفه‌ها می‌توان اقداماتی در جهت حل مسائل، نابسامانی‌ها و افزایش هویت مکان فضاهای خیابانی آبرسان و شریعتی به عنوان میراث تاریخی و فرهنگی شهر تبریز انجام داد که این خود، نوآوری تحقیقی این پژوهش را با این استدلال که این کار تحقیقی برای اولین بار به مقایسه تطبیقی فضای دو خیابان در شهر تبریز دست زده است، و دارای اصالت در برون‌داد، داده‌هایی بیشتر و با کیفیتی افزون‌تر از گذشته در این فضاها را تولید کرده را موجه می‌سازد.

سوالات تحقیق

- * آیا بین فضاهای سنتی و مدرن شهر تبریز از نظر مولفه‌های شکل‌دهنده هویت مکان تفاوتی معناداری وجود دارد؟
- * وضعیت فضاهای عمومی دو خیابان شریعتی و آبرسان تبریز از نظر مولفه‌های تبیین‌کننده هویت مکان چگونه است؟

پیشینه تحقیق

تاکنون چند مطالعه درباره هویت مکان انجام شده است که در ادامه به دو مورد از مهم‌ترین مطالعات خارجی در این زمینه اشاره می‌شود: نتایج مطالعه عبدالرحمان و همکاران با عنوان «چه چیزی موجب استفاده مردم از خیابان‌های می‌شود؟ به سوی محیط شهری



زیست‌پذیر در بخش مرکزی کوالالامپور» نشان می‌دهد که نیازهای کاربران در خیابان به عوامل مختلفی بستگی دارد. مانند جذابیت خیابان؛ تنوع فعالیت‌ها؛ وجود مجاورت، وجود آشنایی قبلی با محیط، طولانی بودن میزان تعامل با فضای عمومی و فضاهای سبز، میزان خدمات عمومی، مدت توقف در مکان و آزادی عمل مردم در انجام فعالیت‌های دلخواهشان. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که به طور کلی، عواملی که باعث می‌شود مردم از خیابان‌ها استفاده کنند، بیشتر با نظریه‌های هویت مکان هم‌راستا است؛ با این حال، ویژگی‌هایی که به عوامل مختلف کمک می‌کند، برای هر زمینه متفاوت است (Abdul Rahman et al, 2015). شافتو در کتاب معروف خود با عنوان «فضاهای دلنشین شهری: خلق مکان‌های عمومی اثرگذار» ضمن معرفی مفهوم فضاهای دلنشین، به بررسی عوامل موثر بر خلق فضاهای با این ویژگی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مولفه‌های کالبدی، جغرافیایی، روانی و حسی، مدیریتی و اجتماعی در ایجاد جذابیت فضاهای عمومی موثر بوده و منجر به شکل‌گیری فضاهای عمومی موفق و پایدار در شهرها می‌شوند. در بخش‌هایی از این اثر، به مفهوم هویت مکان از دیدگاه طراحی و برنامه‌ریزی شهری پرداخته شده است. برخی از مهم‌ترین متغیرهای مورد بررسی شافتو در این کتاب عبارتند از: حضور مردم، کمرنگی حضور خودرو، اقلیم، کیفیت طراحی عناصر شهری، وجود المان‌های طبیعی در محیط، آسایش و راحتی، کاربری مختلط، انعطاف، خوانایی، تنوع عملکردی فعالیت‌ها در فضا، تنوع اقشار استفاده‌کننده از فضا، وجود امنیت و احساس امنیت می‌باشد (Shaftoe, 2008). در مطالعات داخلی نیز چندین پژوهش در مورد هویت مکان انجام شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: مطالعه ارباب و همکاران (۱۳۹۴) تحت عنوان «تبیین معیارهای کلیدی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید (مطالعه موردی: منطقه ۲۲ تهران)» یکی از پژوهش‌های جدید در حوزه هویت مکان است که به تبیین معیارهای کلیدی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه‌های جدید شهری در منطقه ۲۲ تهران می‌پردازد. به همین منظور، ۸ معیار کلیدی شامل آشنایی و شناخت، خوانایی و تشخیص، خودکارآمدی، رضایتمندی، تعامل اجتماعی، تناسب محیطی، خاطره‌انگیزی و دلبستگی محیطی شناسایی شده است که از نظر ساکنان دارای اهمیت بوده و هویت مکانی در توسعه‌های جدید شهری را تبیین می‌کند. پژوهش کاشی و بنیادی (۱۳۹۲) با عنوان «تبیین مدل هویت مکان - حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن - نمونه موردی: پیاده‌راه شهر ری» از جمله مطالعاتی است که با هدف بررسی تفاوت بین حس مکان و هویت مکان انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که هویت مکان را می‌توان معادل با حس مکان «ما» دانست. در واقع، هویت مکان و حس مکان در تمام مولفه‌ها یکسان و مشابه هستند. تنها تفاوتشان این است که حس مکان در سطح فردی، و هویت مکان در سطح جمعی ایجاد می‌شود. همچنین هویت مکان بخشیدنی نیست، بلکه طی زمان و فرآیندی به وسیله مردم شکل می‌گیرد، اما ابتدا باید از طریق عوامل فیزیکی، فعالیت و معنا به عنوان مولفه‌های تشکیل دهنده، اقدامات لازم در راستای رسیدن به هویت مکان را انجام داد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد غفاری سروستانی (۱۳۸۹) با عنوان «گذر از فضا به مکان؛ ارزیابی عرصه‌های عمومی شهری (نمونه موردی: فضاهای عمومی شهر شیراز» در جهت ارائه عوامل موثر بر حضورپذیری و رضایتمندی شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری جهت برقراری تعاملات اجتماعی با تأکید بر ترجیحات آنان انجام شده است. این پژوهش ضمن پرداختن به موضوعات مورد بحث، نتایج به دست آمده را در قالب فاکتورهای موثر بر حضورپذیری و رضایتمندی شهروندان و در نتیجه آن گذر از فضا به مکان در عرصه‌های عمومی شهری ارائه کرده است. همچنین رساله دکتری دانشپور (۱۳۷۹) با نام «بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان) نمونه موردی تهران، خیابان انقلاب» به تعریف مشخصی از مفهوم هویت در زمینه فرهنگ خودی، تعیین معیارها و شاخص‌های ارزیابی و همچنین شناسایی عواملی که ادراک هویت را تسهیل می‌نمایند پرداخته و در نهایت بازنمایی هویت را در فضاهای عمومی نشان می‌دهد. بر طبق نتایج، هویت (تشخیص توام با تمایز) امری نسبی و بیشتر از جنس فعالیت و معنی است تا ویژگی‌های کالبدی، همچنین هویت که «خود» هسته اصلی و جوهره آن است، در ربط با محیط مصنوع، همان خود جمعی است. به عبارت دیگر، هویت محیط مصنوع در حقیقت بازتاب خود جمعی است. تحقیق پیش‌رو با در نظر گرفتن تمامی نتایج مطرح شده در بالا سعی در ادای سهم شهر فیزیکی و شهر انسانی (کالبدی و غیرکالبدی) در تبیین هویت مکان را با حالت مقایسه‌ای دو خیابان برگزیده شهر تبریز را به دست دهد تا نتایج بهتری از این طریق حاصل گردد.

مبانی نظری

هر مکانی، یک فضای انسانی شده، محصور، روان‌شناختی، زیست شده و جایگاه فضا‌مندی و معنا می‌باشد که «دارای موقعیتی خاص با محتوایی مشخص از اطلاعات» (Haggett, 1990: 58)، اندازه یا گسترش در فضا یا به عبارت دیگر شکلی از فضای دارای مرز و محدوده، نامگذاری شده، ساختار فیزیکی، چشم‌انداز مکانی، حامل ارزش‌ها و محتوای فرهنگی، نیروی اخلاقی، پژواک‌های تاریخی، تداعی‌گر معانی، رویدادها، حاوی یاد و خاطره، تنوعی مداوم در تجربیات زیباشناختی، و «دارای روح و شخصیت منحصر به فرد» (Holloway & Hubbard, 2001: 73)، خاص، اگزستانسی، تجربی، محدودکننده، تجمعی، آشنا، آرامش‌بخش است. مطابق با این روایت، روشن است که هویت، یک احساس ذهنی از یکسان بودن و تداوم با گذر زمان در مکان‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف است، از این منظر می‌توان گفت که هویت همواره به یک مکانی گره خورده است؛ به عبارت دیگر آدم‌ها تا حد حیرت‌آوری خودشان را با ایده‌هایی که از مکان دارند، تعریف می‌کنند. در چنین فضایی، هر خودی با امر اجتماعی در بر گرفته شده است که در آن فرد، هویتش عمیقاً متأثر از مناسبات و هنجارهای اجتماعی است، و هر فعالیت اجتماعی در آن، شکل فضایی خاص خود را دارد، بی‌آنکه این فضاها اقلیدسی بوده یا حتی مشابه یکدیگر باشند. گویی در چنین بازنمایی فضایی اساساً واقعیت جغرافیایی به مانند چشم‌اندازی که بدان پیوسته نیز تماماً تولید اجتماعی است؛ حتی چنین می‌شود استدلال کرد که کلمات، یک فرم اجتماعی و ظرفی حداقلی برای هویت را به ما می‌دهد که می‌توان از آن به مثابه فضای ذهنیت یاد کرد. بنابراین روشن است که ارتباطات ما، هر چیزی است که ما می‌آفرینیم، آنها بخش‌هایی از خود ما نیز هستند؛ اساساً ارتباط تفهیمی، همان خود است و خود نیز همان ارتباط تفهیمی است، و تمامی این چیزها در بستر فضا و مکان، و جهان مادی قرار دارند. از این منظر به لحاظ هستی‌شناسی، جهان ما متشکل از قلمروهای عینیت، ذهنیت، و بینادذهنیت معناست؛ نتیجتاً اگر ارتباطات و خود، امری جدایی‌ناپذیرند، پس مطمئناً امر خودی، نه یک امر عینی بلکه بخشی از یک شبکه، یک مجموعه‌ای از پیوندها هستند (Adams, 2005: ix-xii) که از یک سو پندارها و زمینه‌های معنا، و از سوی دیگر مقررات رفتار، ساختارهای اجتماعی فضا را تولید می‌کنند. با این استدلال، انسان‌ها نه تنها در دنیای کوچک خود هستند، بلکه یک تصویر مشترک از جهان را نیز یاد می‌گیرند. در واقع یک حسی از جهان صلب و سخت مشترک، و حس ثابتی از خودمان در درون جهانی که می‌بینیم وجود دارد، که این امر متضمن بقای روانی و فیزیکی ما انسان‌ها به عنوان موجودات فانی متناهی می‌باشد (Pile, 1996: 12) که همگی ربط و نسبت دیالکتیکی با مفهوم انسان و مکان در قالب هویت مکان بازی می‌کند. بنابراین امور ظاهراً یکسان، در واقع متفاوت‌اند، زیرا اساساً بدون تفاوت، تمایزی هم در کار نخواهد بود و در عین حال هویتی نیز به وجود نخواهد آمد. دلالت معنایی دیگر سخن در باب هویت مکان این است که هویت، مجموعه‌ای است قابل تفکیک و تجزیه به تاریخ و پیشینه، روند و اکنون است، و نیز قابل شناسایی به عناصر حیاتی، مهم و فرعی است. عنصر حیاتی، عنصری است که حیات پدیده با آن پیوند ویژه داشته و پدیده توسط آن شناسایی می‌شود و وجه تمایز آن از پدیده‌های دیگر است، و درست همین عنصر گوهرین است که ابراز و احراز هویت را میسر، و امکان مرزبندی را فراهم می‌آورد؛ عنصر گوهرینی که با رنگ باختن و یا حذف آن، پدیده حاوی آن نیز رنگ می‌بازد یا محو می‌شود، عنصری که در مجموعه عناصر هویتی مکان‌ها، از آغاز به وجود آمدنش تاکنون، فرایند استعلایی را طی کرده و مشمول غنی‌سازی شده است.

از نظر جان مونتگمری «تشخیص یک مکان با کیفیت و موفق و تجربه یک مکان خوب نسبتاً راحت است. اما تشخیص اینکه چرا یک مکان موفق است و چگونه می‌توان این موفقیت را ایجاد کرد و درک این موضوع که آیا مکان‌های شبیه آن در جاهای دیگر نیز می‌توانند موفق و مناسب باشند یا خیر؟ بسیار دشوارتر است» (Montgomery, 1998: 94). اما برای بسط بیشتر ابتدا به مفهوم‌شناسی هویت مکان پرداخته می‌شود. از ترکیب واژه مکان و هویت، دو واژه هویت مکان و هویت مکانی^۱ تولید می‌شوند. در معنی اول هویت به واژه مکان اشاره می‌کند، یعنی مجموعه‌ای از ویژگی‌های مکانی که تمایز و پیوستگی مکان در زمان را عهده‌دار هستند و به ویژگی‌های قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد، اما هویت مکانی نتیجه ذهنی شدن هویت مکان برای یک فرد یا جمع است. به طوری که

¹ . Identity of Place and Place Identity



زیربنای هویت جمعی یا فردی آنان گردد، در واقع آن ابعادی از خود که هویت شخصی خود را در ارتباط با محیط فیزیکی تعریف می‌کند (عبداله‌زاده‌فرد و رحمانی، ۱۳۹۵: ۲۸). بنابراین باید بین هویت مکانی و هویت مکان تفاوت قائل شد. هویت مکانی به عنوان بخشی از هویت فرد مطرح است، اما هویت مکان به ویژگی‌های قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد. هویت مکانی فرد، می‌تواند منبث از مکانی بی‌هویت یا باهویت باشد. باید توجه داشت که هویت مکان بر کیفیت هویت مکانی اثر می‌گذارد، اما خود مفهومی جداگانه است (رضازاده، ۱۳۸۰: ۶). در شکل‌گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد: ۱) در مرحله نخست، فرد محیط را شناسایی می‌کند که هویت مکان نامیده می‌شود. ۲) در مرحله دوم فرآیند پیوند روانی با مکان صورت می‌گیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می‌یابد (عبداله‌زاده‌فرد و رحمانی، ۱۳۹۵: ۲۸). در پژوهش حاضر، بر روی هر دو مفهوم تأکید شده است. هویت یک مکان، تشخیص یا تمایز مکانی ایجاد می‌کند که پایه شناخت آن به عنوان یک کل متمایز است. در واقع هویت مکان، آنچه افراد در ذهن خود درباره مکانی خاص می‌سازند و یا تصویر آن مکان، برای آنهاست. هویت مکان، تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات، احساسات بی‌واسطه و تفسیر هدفمند از آن چه هست و آنچه باید باشد، است. به شکل دقیق‌تری باید گفت که عوامل فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی، سه عامل اصلی تشکیل دهنده هویت مکان‌ها می‌باشد. دو عنصر اول از این عوامل را شاید بتوان به آسانی درک کرد، اما عنصر مهم معنا بسیار دشوارتر فهمیده می‌شود. معانی مکان‌ها ممکن است ریشه در چیدمان فیزیکی اشیاء و فعالیت‌ها داشته باشد ولی معانی تنها محصول این عوامل نیستند، بلکه انتظارات اولیه، تجربیات، نیت و مقاصد انسان‌ها به عنوان ناظر و استفاده‌کننده، نقش عمده‌ای دارد (Relph, 1976: 46). بنابراین محیط نمایان‌گر ساخته‌های ذهنی مشترک افراد است (Carmona, 2008: 22). همچنین، هویت مکان همان قدر که تابعی از نیت‌ها و تجربیات درون ذهنی می‌باشد، تابع ظواهر ساختمان‌ها، مناظر و فعالیت‌های درون مکان است و نه فقط به متمایز بودن مکان‌های واحد برمی‌گردد، بلکه به شباهتی میان مکان‌های متفاوت هم اشاره می‌کند.

اما مرور سیر تحول نظریات مکان نشان می‌دهد که در پژوهش‌های اولیه، اغلب به سه مؤلفه سازنده هویت مکان اشاره شده است: معنا، کالبد و فعالیت (Canter, 1977: 158). یا موقعیت، محل و حس مکان (Agnew, 1987: 26-28). اما در تحقیقات متأخر، محققان برای تسهیل درک و بررسی مکان، مولفه‌های تشکیل‌دهنده هویت مکان را بیش از سه مؤلفه دانسته‌اند. بیشتر نظریه‌های متأخر، پنج مؤلفه اصلی را برای آن معرفی کرده‌اند که شامل: ۱- تصویر مکان، ۲- کالبد (ساختمان‌ها، میدان‌ها، راه‌ها و غیره)، ۳- نهادها (سازمان‌ها، قوانین، مقررات و کدها و غیره)، ۴- ارتباطات (قدرت، طبقه، جنسیت و غیره) و ۵- مردم و رفتارهایشان (زندگی روزمره، عادات، رسوم و غیره) (Kavaratzis & Hatch, 2013: 76-82). هویت مکان به عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکردها، نشانه‌ها، فرم‌ها و نمادهای شهری و ویژگی‌های بصری و کالبدی ادراک می‌گردد. پروشانسکی معتقد است هویت مکان، زیرمجموعه‌ای از هویت خویش است. فرد تنها محیط را در ذهن خود ثبت نمی‌کند بلکه احساسات و ایده‌هایش را در مورد آن بسط می‌دهد، و با محیط خود از همان راهی ارتباط برقرار می‌سازد که هویتش آن را مهم می‌داند (Proshansky, 1983: 58). بنابراین می‌توان هویت مکان را به دو جنبه مختلف تقسیم نمود:

- ابعاد درونی ادراک مکان: ابعاد درونی شامل درک هویت مکان از طریق تعلق فرد به گروه یا اجتماع خاص (بعد شناخت اجتماعی مکان)، و ادراک هویت مکان از طریق تشابه با ارزش‌های خویشتن خویش (مکان انعکاسی از شخصیت خود) می‌باشد.
- ابعاد بیرونی ادراک مکان: بعد بیرونی ادراک هویت مکان از طریق تمایز با دیگر مکان‌ها (بعد شخصیتی مکان چگونگی تضاد با زمینه) نمود می‌یابد.

از دیدگاه جین جیکوبز، هر خیابان باید فضاهای خاص خود را داشته باشد تا از دیگر خیابان‌ها متمایز شود، و علت و خاص بودگی در آن بوده باشد تا مردم برای آن چیزهای خاص، به آنجا بروند. جیکوبز در اثر خود «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا»، با جزئیات و نکته‌سنجی‌هایی خود، از آهنگ‌های زندگی روزانه در خیابان هادسون در گرینویچ ویلیج نیویورک را توصیف می‌کند، و بر این استدلال است که خیابان‌ها، نقش محوری در استقرار زندگی جمعی شهرها بازی می‌کند (Jacobs, 1961: 93). از دیدگاه او برای به دست آوردن هویت مکان، مهمترین نکته این است که اساسا خیابان، عملکرد چندگانه‌ای را ایفا نماید، نه اینکه صرفا قلمروی محدود برای عبور و مرور یا تجارت باشد. جیکوبز اشاره می‌کند که فعالیت انسان بر روی خیابان‌ها، خاصیت استقلال‌سازی، از همه مهمتر، نظارت عمومی و

اعتمادسازی در یک اجتماع محلی و کمک به تربیت و پرورش کودکان سالم را تسهیل می‌نماید. او تأکید می‌کند که مکان‌های موفق، محل رفت‌وآمد مردم هستند، و حضور مردم، جذابیت اصلی برای افراد زیادی می‌بخشد و از طریق آن، سرزندگی مکان‌ها رو به افزایش می‌گذارد. از دیدگاه جیکوبز، مولفه‌های ذیل برای توصیف شرایط فضایی ضروری برای ایجاد تنوع در خیابان را فراهم می‌سازد: (۱) منطقه، که باور او در در فضای داخلی آن، بیشتر اجزا سازنده این بخش تا حد امکان باید بیشتر از یک کارکرد اولیه و ترجیحا بیشتر از دو کارکرد را انجام دهد. (۲) اکثر بلوک‌ها باید کوتاه باشند؛ زیرا در این صورت است که خیابان‌ها و فرصت‌هایی برای تعامل اجتماعی در کنج‌های را فراهم می‌سازد و فرایندی تناوبی در بافت فضایی آن ایجاد می‌شود. (۳) منطقه باید ترکیبی از ساختمان‌هایی با عمر و شرایط کاربری متفاوت را در خود داشته باشد، در این حالت است که تولید اقتصادی آنها متفاوت خواهد بود؛ این ترکیب باید به خوبی به هم پیوسته باشد. (۴) باید یک تمرکز متراکم کافی جمعیت برای اهداف گوناگون وجود داشته باشد (Ibid: 150-151). مهمترین و اصلی‌ترین مولفه فضایی برای پیاده‌روی و حیات خیابانی فعال، کاربری‌های مختلط است که با تولید سفرهای کوتاه‌تر می‌توان با پای پیاده بدان رسید، جیکوبز، تراکم را پیش شرط اساسی برای کاربری مختلط، تنوع، سرزندگی و تجربه غنی در شهرها می‌داند (Ibid: 210). تراکم، فاصله میان انسان‌ها و مکان‌ها را برای دسترسی ما کاهش می‌دهد، و فشرده‌گی و آسایش را ایجاد می‌کند. در عین حال تراکم می‌تواند منجر به ازدحام، فقدان و یا به خطر افتادن حریم خصوصی و فضای باز نیز تلقی می‌نماید. در اینجا دو بحث کلیدی مزایای اختلاط کاربری‌ها عبارت است از: (۱) اینکه اختلاط، قابلیت‌دسترسی از طریق مجاورت و نزدیکی را افزایش می‌دهد، و نیاز به حمل‌و نقل را کاهش می‌دهد. در این چرخش فکری، کیفیت محیطی افزایش می‌یابد، همچنین وقتی فعالیت‌های بیشتری در فاصله پیاده‌روی باشد، وابستگی به ماشین کاهش می‌یابد. (۲) در این ارتباط، بحث و استدلال دوم این است که زمانی که مردم بتوانند به فعالیت‌هایشان در فاصله پیاده‌روی برسند، آنها به خیابان‌ها آورده می‌شوند و در سرزندگی و تنوع حیات خیابان سهیم می‌شوند. کاربری مختلط، تفکری است که تراکم‌های بالا و فعالیت‌های گسترده، با تنوع‌سازی و بالا بردن و تسهیل آمدورفت جزر و مدی مردم در یک منطقه، منجر به مشارکت در فعالیت‌های سراسر روز را فراهم می‌سازد.

کوبین لینچ در کتاب تصویر شهر، تصور از فضا و تصور از زمان را، اساس ادراک محیطی می‌داند. وی در نظریه هنجاری خود از شکل خوب شهر، به عدم کفایت مفاهیمی همچون هماهنگی، تنوع، و نظم که در شی یا منظر وجود دارد در بررسی کیفیات بصری اشاره می‌کند، و معتقد است باید از تصورات ذهنی و اولویت‌های استفاده‌کنندگان از یک مکان شروع کرد و شخص و مکان را با هم دید. کوبین لینچ معتقد بود که عناصر متحرک شهر، به خصوص ساکنان آن یا فعالیت‌های جاری آن، به همان اندازه اهمیت دارند که کالبد ثابت آن؛ چون ما فقط ناظران این نمایش نیستیم، بلکه خود بر روی صحنه با دیگر بازیگران در آن شرکت داریم. بحث جهت‌یابی در شهر و خوانایی شهر را او معرفی و نهادینه کرد. خوانایی اشاره به شناسایی راحت جنبه‌های شهری، سازمان‌یافتگی فضا به شکل یک طرح و یادآوری آسان آن است. انسان‌ها اغلب محیط‌هایی را ترجیح می‌دهند که به راحتی خوانده و به سرعت درک شوند، علت این امر مربوط به ارزش حیاتی بالای این محیط‌ها در طی تاریخ تکاملی است. او توجه به «معنا» در شهر را سرلوحه کار خود قرار داد؛ و این درک جدید، فضای شهر را همزمان متشکل از کالبد و انسان می‌داند. در اینجا کوبین لینچ عوامل متحرک شهر را از عوامل ثابت جسم شهر جدا نمی‌کند و بر این باور است که انسان‌ها، نه تنها نظاره‌گران چشم‌اندازهای شهری‌اند، بلکه خود جزئی از آن نیز هستند. بنابراین هر شهروندی ارتباطات طولانی با بخشی از شهرش را داشته است، و تصویر ذهنی آن در خاطرات و معناهای آن رسوخ و رسوب کرده است. لینچ از مردم می‌خواست تا به صورت کلامی یا تصویری، نقشه محیط خود را توصیف کنند. البته نقشه‌های آنها، نسخه‌ای اساسا متفاوتی از آن مکان تولید می‌کرد، و تفاوت‌های عظیمی در نظم، فاصله‌ها، نشانه‌های شهری، رفتارها و معناها داشت. لینچ محتوای تصویرهای ذهنی از شهر را، با ارجاع به فرم فیزیکی فضا توصیف می‌کند، و در پژوهش خود در پی کشف و بررسی شکل ادراکی شهر و عوامل شکل‌دهنده تصویر ذهنی از شهر می‌پردازد (Lynch, 1960: 1-46). اما آماندسن، هویت مکان را نه به عنوان عناصر فرهنگی عینی موجود، بلکه به عنوان محصول نگرش مردم به وضعیت فرهنگی و اجتماعی‌شان و فراگویی راهبردی عناصری که در محدوده جغرافیایی مکان‌شان وجود دارد می‌داند، و تأکید می‌کند که هویت مکان محصول روایت‌گری و فراگویی معانی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و غیره مکان توسط استفاده‌کنندگان یا نهادهای تأثیرگذار بر مکان است (Amundsen, 2000: 5). فراگویی راهبردی مورد نظر آماندسن، همانی است که



هاگ از آن به عنوان روایت‌گری معانی مکان یاد می‌کند و معتقد است تفاسیر و روایت‌ها، باعث شکل‌گیری هویت شده و هویت، فضا را به مکان تبدیل می‌کند (Hague, 2005: 5). گویی فهم هویت مکان از این ایده آغاز می‌شود که مردم داستان‌ها و روایت‌هایی را در مورد مکان بیان می‌کنند، و این داستان‌ها با یکدیگر بخش مهمی از هویت را می‌سازند. مدنی‌پور نیز در مورد هویت مکان در کنار توجه به نقش رابطه بین شباهت‌ها و تفاوت‌ها، معتقد است: «این روابط در روایت‌هایی فراگویی می‌شوند که این قطعات را به یکدیگر متصل و یکپارچه می‌کند. این روایت‌ها متفاوت و متنوع هستند و توسط افراد مختلف بیان می‌شوند، افرادی که در بخش‌های مختلف جامعه قرار گرفته‌اند و اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند. فرآیندهایی که از طریق آن‌ها هویت مکان روایت می‌شوند، موضوع تنش‌ها و تعارضات قدرت هستند» (Madanipour, 2013: 61). در واقع، در نظر پدیدارشناسان، تجربه مکان نشأت گرفته از نحوه ارتباط بین شخص و محیط است. پس شناخت یک مکان در لحظه حضور در آن صورت می‌گیرد که ساختار کالبدی با ویژگی‌هایش، تجارب ما از مکان، خاطرات و احساسات وابسته به مکان را زنده می‌کند و شناخت از مکان را ممکن می‌سازد. ویژگی‌های مکان که ما را به سوی درک هویت مکان رهنمون می‌سازد، به صورت سیما و چشم‌انداز، نظم فضایی، رویداد، خاطره، جهت‌گیری و یگانگی‌پنداری قابل تفکیک است. اگر هر یک از این وجوه در مکان حضور نداشته باشد، وضوح و روشنی مکان برای شهود ناظر از میان خواهد رفت و معنایی از پس این مکان متبادر نخواهد شد (تابان و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۶). ادراک ما از مکان توسط عوامل عینی (شخصیت محیط، میزان سر و صدا در خیابان‌های شهر، میزان امنیت)، تفاوت‌های فردی (جنسیت فرد، تجربه خود، ویژگی‌های روانی فرد و غیره) یا ویژگی‌های متمایز شهر (میراث تاریخی و فرهنگی، هویت قومیتی و زبانی، کیفیت زندگی، سطح توسعه، و غیره) تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Kruzhkova, 2013: 296). مکان‌ها با شکل فیزیکی، فعالیت و معنا ساخته می‌شوند. این بدین معنی است که با فرایندهای روانی و اجتماعی فرد و ایجاد ادراک، مرتبط هستند. از آنجا که ادراک عاطفی از فرایندهای روانی، ریشه در محیط به وجود آورنده دارد، هویت مکان نه تنها اجزای فیزیکی بلکه معنا و رابطه را بین مردم و مکان توسعه می‌دهد. به طور همزمان، ویژگی‌های فرهنگی با درک عاطفی فرد و نیازهای کارکردی و هویت محل آن مشخص می‌شود (Ujang, 2009: 156). اما خاطرنشان بایستی بایستی ساخت که هویت، دیدگاه مردم برای خودشناسی و همچنین به عنوان راهی برای بیان ارتباط با دیگران است. به باور ما با تدقیق در نظریه‌های ارائه شده در باب هویت مکان را می‌توان در سه ضلعی «مکان به مثابه مادی»، محیط «مکان به مثابه فضامندی اجتماعی»، و «مکان به مثابه تفاوت تجربی و روانی افراد از فضا» مقوله‌بندی نمود، و آنها را از منظر پوزیتیویستی، پدیدارشناختی و انتقادی به مطالعه پرداخت. اکنون باتوجه به مرور اجمالی مفاهیم، دیدگاه‌ها و سوابق موضوع، در این قسمت مولفه‌های اصلی تجزیه و تحلیل، ابعاد آن و متغیرهای لازم برای تدوین گویه‌ها در دو طبقه کلی (کالبدی و غیرکالبدی) و ده مقوله زنجیره‌وار از منابع صاحب‌نظران این حوزه استخراج شد که به شرح جدول ذیل است.

جدول (۱). مولفه‌ها، ابعاد و متغیرهای تحقیق در باب هویت مکان فضاهای عمومی شهری (خیابان)

طبقه‌بندی	مولفه	ابعاد	متغیر	
کالبدی	مولفه‌ها و الگوهای شهرسازی	موقعیت جغرافیایی	✓ موقعیت قرارگیری فضای عمومی در شهر	
		تاریخ توسعه	✓ جغرافیای تاریخی توسعه خیابان در شهر	
		ویژگی‌های کاربری زمین	تنوع و اختلاط کاربری	✓
			میزان سازگاری کاربری‌ها	✓
			وجود کاربری‌های بزرگ مقیاس	✓
	ویژگی‌های بافت شهری	میزان تراکم ساختمانی	✓	
		تعداد طبقات ساختمان‌ها	✓	
		دانه‌بندی قطعات ساختمانی	✓	
		دسترسی‌پذیری	✓ امکان دسترسی آسان به فضای عمومی	
		✓	✓ الگوی جایابی و تردد در فضا (پیاده، دوچرخه، اتومبیل)	
مولفه‌های طراحی شهری	نفوذهایی	✓ امکان نفوذ در فضاهای بین ساختمان‌ها		
	مجاورت	✓ ویژگی‌های بافت‌های مجاور فضاهای عمومی		
	کیفیت مبلمان شهری	✓	✓ تنوع در انتخاب مکان‌های نشستن	
		✓	✓ کیفیت عناصر مبلمان شهری (نورپردازی مناسب، سنگفرش‌ها)	
	کیفیت زیبایی‌شناختی و بصری فضا	✓ وجود بناها و المان‌های مهم در فضا		
✓	✓ بکارگیری فرم و شکل خلاقانه در طراحی فضا			
	نوع سبک زندگی مردم	✓	✓ سبک سنتی یا مدرن ساکنان محدوده‌های مورد بررسی	
	تنوع فعالیت‌های مردم در فضا	✓	✓ راه رفتن، غذا خوردن، بازی‌ها، مطالعه، قرارهای دوستانه یا کاری، تمدد	

اعصاب و ...			
✓ سن و جنسیت استفاده‌کنندگان	✓ تنوع یا یکدستی گروه‌های اجتماعی استفاده‌کننده از فضا	مولفه‌های اجتماعی	غیر کالبدی
✓ طبقه اجتماعی استفاده‌کنندگان			
✓ میزان حضور هنرمندان، نوازندگان، شعرا و قشر هنری خلاق در فضای عمومی			
✓ وجود شلوغی و تجمع استفاده‌کنندگان از فضا (تعداد جمعیت)	✓ جمعیت‌پذیری		
✓ داشتن حق انتخاب یا نداشتن آن جهت استفاده از فضای عمومی	✓ استفاده فردی یا جمعی افراد از فضای عمومی	اجتماع‌پذیری	
✓ میزان تعامل بین غریبه‌ها در فضای عمومی	✓ میزان اعتماد به غریبه‌ها در فضای عمومی (اعتماد اجتماعی تعمیم یافته)		
✓ حضور به تنهایی در ساعات خلوت در فضای عمومی	✓ حساس امنیت		
✓ اهمیت ندادن به جنسیت افراد استفاده‌کننده از فضای عمومی	✓ نداشتن ترس از وقوع جرم		
✓ وجود کنترل رسمی (کنترل فضا با دوربین یا پلیس)	✓ وجود کنترل رسمی (نظارت پنهان مردم بر رفتارهای یکدیگر در فضای عمومی)		
✓ نداشتن احساس بیگانگی با فضا	✓ حس تعلق مکانی	مولفه‌های حسی و ادراکی	
✓ حس مثبت و خوشایند به فضا برحسب فضای عبور، فضای تفریح، فضای خرید و ...	✓ فضای تجربی و روانی افراد از فضا		
✓ ملاقات و تعامل، فضای اعتراض و ...			

منبع: (Agnew, 1987, Jacobs, 1961, Lynch, 1960, Relph, 1976, Montgomery, 1996, Carmona, 2008)

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش تحقیق مورد استفاده از نوع روش‌های توصیفی - تحلیلی می‌باشد. داده‌های تحقیق با روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری گردید. روایی ابزار شاخص CVR با ضریب ۸۸ و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ با ضریب ۰/۸۷ نشان‌دهنده این امر است که تمام متغیرهای مستقل به کار گرفته شده در این پژوهش مورد تایید قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل کل کاربران هر دو خیابان مورد مطالعه بوده است. حجم نمونه برای پرسشنامه، با استفاده از روش کوکران و با اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شد و در نتیجه تعداد ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید، اما برای «افزایش اعتبار نتایج تحقیق» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۰)، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. نمونه‌های تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در دو فضای خیابانی آبرسان و شریعتی انتخاب شدند. جهت تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS از آزمون تی‌تست دو نمونه‌ای و لون استفاده شده است. پرسشنامه تهیه شده برای انجام این پژوهش یک پرسشنامه محقق ساخته (ساختاریافته) به شمار می‌آید که با توجه به مبانی نظری، سوابق مطالعاتی و شرایط محلی، برای سنجش متغیرها تدوین شده است. البته برخی سوالات مربوط به سنجش متغیرها (کالبدی و غیرکالبدی) استخراج شد که تمامی آنها در این پژوهش مورد آزمون پایایی و روایی قرار گرفت. این پرسشنامه به عنوان یکی از ابزارهای اصلی این تحقیق جهت بررسی سوالات اصلی، سنجش و تحلیل روابط میان متغیرهای مربوطه طراحی شده است. پرسشنامه از تعداد ۸۶ سوال تشکیل شد که ۱۶ سوال عمومی و مربوط به مشخصات و ویژگی‌های پاسخگویان و تعداد ۶۹ سوال تخصصی نیز جهت سنجش و شناخت هویت مکان از طریق ابعاد اصلی کالبدی (مولفه‌ها و الگوهای شهرسازی، مولفه‌های طراحی شهری)، غیرکالبدی (مولفه‌های اجتماعی، مولفه‌های حسی و ادراکی) است، تا نتایج عمیق‌تر و با جزئیات بیشتری از این پژوهش به دست آید.



جدول (۲). اجزای پرسشنامه و وضعیت عملیاتی متغیرها

ردیف	ابعاد هویت مکان	مولفه‌ها	تعداد سوالات	نوع سوال	نوع سوالات	مقیاس متغیر
	سوالات عمومی	—	۱۶	بسته	ترکیبی	ترتیبی و اسمی
۱	مولفه‌ها و الگوهای شهرسازی (کالبدی)	تصویر ذهنی از فضا	۶	بسته	لیکرت	فاصله‌ای
		دسترس‌پذیری و نفوذپذیری	۷	بسته	لیکرت	فاصله‌ای
۲	مولفه‌های طراحی شهری (کالبدی)	کیفیت مبلمان خیابانی فضا	۵	بسته	لیکرت	فاصله‌ای
		کیفیت زیباشناختی و بصری فضا	۶	بسته	لیکرت	فاصله‌ای
۳	مولفه‌های اجتماعی (غیرکالبدی)	تنوع فعالیت های مردم در فضا	۵	بسته	لیکرت	فاصله‌ای
		تنوع و یکدستی گروه‌های اجتماعی استفاده از فضا	۵	بسته	لیکرت	فاصله‌ای
		سبک زندگی ساکنین خیابان و فضای مورد مطالعه	۳	بسته	لیکرت	فاصله‌ای
		احساس امنیت در فضای خیابان	۱۳	بسته	لیکرت	فاصله‌ای
۴	مولفه‌های حسی و ادراکی (غیرکالبدی)	حس تعلق مکانی نسبت به فضای خیابان	۶	بسته	لیکرت	فاصله‌ای
		فضای تجربی و روانی افراد در خیابان	۱۰	بسته	لیکرت	فاصله‌ای

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۰)

در ابتدای پرسشنامه تعداد ۱۶ سوال مطرح گردیده است که به ویژگی‌های پاسخگویان مانند سن، جنس، تحصیلات، شغل، وضع سکونت، میزان آشنایی با خیابان و... اختصاص داده شد. این متغیرها صرفاً به جهت آشنایی و شناخت نمونه‌های مورد مطالعه و همچنین شناخت نقش این ویژگی‌ها بر سایر مولفه‌های و ابعاد هویت مکان در پرسشنامه گنجانده شده است. سوالات تخصصی پرسشنامه با مقیاس ترتیبی تدوین شده‌اند، اما به دلیل این امر که بعد از گردآوری و طبقه‌بندی داده‌ها، از سوالات مربوط به هر متغیر، میانگین گرفته شده، از مقیاس ترتیبی به فاصله‌ای تبدیل شده است. در چنین شرایطی، می‌توان در صورت نرمال بودن توزیع داده‌ها از روش‌های آماری پارامتریک برای آزمون رابطه بین متغیرها استفاده کرد.

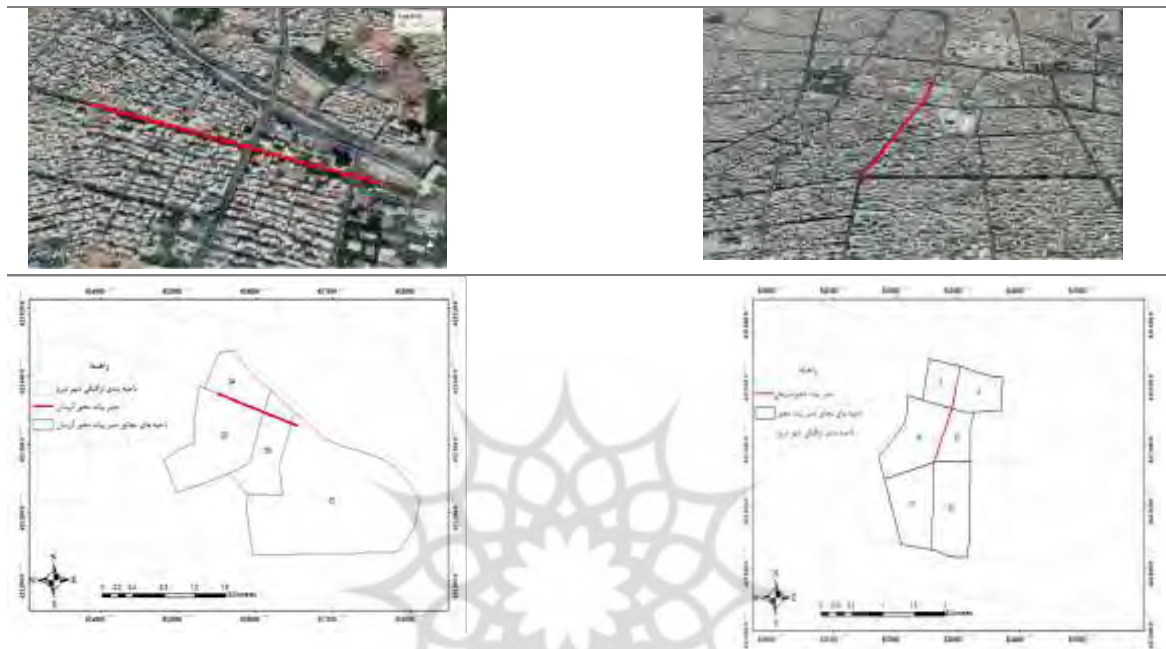
شناخت محدوده

محدوده مکانی این پژوهش، شهر تبریز است. در این پژوهش، یک خیابان در بافت سنتی و یک خیابان در بافت مدرن شهر مطالعه شده است که هر دو خیابان نیز اتومبیل محور هستند که عبارتند از:

فضای خیابان آبرسان (از ابتدای خیابان ۱۳ آبان تا فلکه دانشگاه تبریز): خیابانی اتومبیل‌محور در بخش مدرن شهر تبریز است. این فضا در موقعیت جغرافیایی $38^{\circ} 03' 57''$ شمالی و طول جغرافیایی $46^{\circ} 19' 24''$ شرقی واقع شده، و هسته اصلی آبرسان از مرکز شهر (بازار) تبریز $6/756$ کیلومتر فاصله دارد. محدوده مورد مطالعه ما در خیابان امام خمینی واقع شده است، این خیابان جزء یکی از طولانی‌ترین و قدیمی‌ترین خیابان‌های شهر تبریز است که بر مبنای تعریف در نقشه رسمی تبریز، امروزه از فلکه دانشگاه در ابتدای بلوار ۲۹ بهمن منتهی‌الیه شرقی آغاز شده به چهارراه فجر در باغ گلستان در بخش غربی شهر و از آنجا به راه آهن و بلوار ۲۲ بهمن می‌پیوندد. محدوده مورد مطالعه در بخش بافت مدرن شهر از خیابان ۱۳ آبان در مجاورت دبیرستان شیخ محمد خیابانی در غرب خیابان امام خمینی (که اتصال‌دهنده بافت قدیم و جدید این شهر است) آغاز شده، و با تقاطع با کوی‌های حامدی، جاویدکیا، اطبا، بزرگمهر، کلانتر کوچه، سهند، سبلان، اطلس، فرهنگیان، به چهارراه آبرسان در مرکز (دسترسی به بزرگراه آزادی در جنوب و بلوار هفت‌تیر و چای‌کنار در شمال)، و از آنجا به سمت شرق کوی‌های مهرگان، پناهی، بهار و فلکه دانشگاه در مجاورت دانشگاه تبریز به عنوان یکی از مراکز خطی امتداد می‌یابد.

خیابان دکتر شریعتی از سه‌راه امین تا تقاطع خیابان ۱۷ شهروور: خیابانی اتومبیل‌محور در بخش سنتی شهر تبریز: خیابان شریعتی در موقعیت جغرافیایی $38^{\circ} 04' 26''$ شمالی و طول جغرافیایی $46^{\circ} 17' 11''$ شرقی واقع شده است، و هسته اصلی این خیابان در چهارراه شریعتی تا مرکز شهر (بازار) $1/263$ کیلومتر فاصله دارد. عرض آن حدود ۲۳ متر و دارای فرمی صاف و مسیری مستقیم می‌باشد؛ از بزرگراه آزادی (کمربندی) منتهی‌الیه جنوبی این خیابان آغاز شده به میدان نماز در بخش شمالی آن می‌پیوندد؛ این خیابان در چهارراه

شریعتی به دو قسمت شریعتی جنوبی و شمالی تقسیم می‌شود. پیرامون آن از جهت غربی به باغ گلستان (در چهارراه فجر) و میدان قونقا و راه آهن قرار دارد، و از سوی شرق در چهارراه شریعتی به خیابان امام، فردوسی، تربیت، طالقانی شمالی، میدان ساعت، از سمت شمال به سه راه امین، محقق، تربیت غربی (بالا تربیت) و میدان نماز، و از جنوب به والمان، ۱۷ شهریور، صائب، پاستور، و در نهایت به بزرگراه آزادی دسترسی دارد. محدوده مورد مطالعه ما در بخش بافت سنتی شهر مطابق با تاریخ شفاهی، از سه راه امین در شمال خیابان شریعتی آغاز شده، امتداد آن به تقاطع این مسیر در خیابان ۱۷ شهریور در بخش جنوبی به بزرگراه آزادی می‌رسد.



شکل (۱): قلمرو و موقعیت جغرافیایی فضای مورد مطالعه خیابانی شریعتی و آبرسان

(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۰)

یافته‌ها و نتایج پژوهش

پس از مشخص شدن روش تحقیق و منطقه مورد مطالعه، یافته‌های تحقیق شرایط و زمینه برای ورود به میدان و گردآوری داده‌ها و سپس تجزیه و تحلیل آنها میسر گردید. در این بخش یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته، و سپس یافته‌های استنباطی از روابط میان متغیرهای ارائه شده است. همان‌طور که در پیش از این ذکر گردید تعداد ۴۰۰ نفر از کاربران خیابان‌های آبرسان و شریعتی در نظرسنجی پرسشنامه‌ای با تعداد ۱۶ سوال عمومی و ۶۸ سوال تخصصی شرکت کرده‌اند. سوالات مطابق با طیف لیکرت تدوین شده بود که در ادامه به ارزیابی پژوهش به تجزیه و تحلیل آمارهای ارائه شده از سوی کاربران خیابان پرداخته خواهد شد. در ابتدا در بخش نخست به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های عمومی جامعه آماری پرداخته می‌شود، و سپس در بخش دوم به ارزیابی سوالات اختصاصی پرداخته می‌شود. نتایج مربوط به ویژگی‌های پاسخگویان نشان می‌دهد که در آبرسان با (۱۶٪) و شریعتی با (۱۰.۵٪) زیر ۲۰ سال، (۵۰٪) آبرسان و (۴۶٪) شریعتی برای سنین ۲۰-۴۰ سال، (۲۸٪) آبرسان و (۳۵.۵٪) شریعتی برای سنین ۴۰-۶۰ سال، و فراوانی (۶٪) آبرسان و (۸٪) شریعتی برای سنین بالای ۶۰ سال دارند. بنابراین می‌توان گفت افرادی که سن آنها مابین ۲۰-۴۰ سال را دارا هستند، از نظر فراوانی در حدود ۵۰٪ بیشترین تعداد نمونه را در میان همه طبقات سنی به خود اختصاص داده‌اند. بررسی جنسیت پاسخگویان نشان می‌دهد که در آبرسان ۶۱.۵ درصد مردان و ۳۸.۵ درصد را زنان، و در خیابان شریعتی ۶۷ درصد مردان و ۳۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهد. فراوانی بالای پاسخگویان مرد شاید بدین دلیل باشد که مردها حضور پررنگ‌تری در اجتماع دارند و در این پژوهش نیز معمولاً مردها بیشتر مایل به مشارکت و همکاری بودند. وضعیت تحصیلات پاسخگویان در فضای خیابان‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد در آبرسان ۱.۵ درصد بی‌سواد، ۲۲ درصد زیردیپلم، ۱۸ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۱۶ درصد کاردانی، ۲۸.۵ درصد

کارشناسی، ۱۰.۵ درصد کارشناسی‌ارشد و ۳.۵ درصد دارای مدرک دکترا بودند؛ این امر درباره خیابان شریعتی ۲۱ درصد زیردیپلم، ۱۷ درصد دارای دیپلم، ۱۵.۵ درصد کاردانی، ۳۱.۵ درصد کارشناسی، ۱۱ درصد کارشناسی ارشد و ۴ درصد دارای مدرک دکترا بودند. استخراج و طبقه‌بندی شغل پاسخگویان کاربران خیابان نشان می‌دهد که در آبرسان و شریعتی به ترتیب، شغل ۳۲.۵ (۳۲.۵) درصد آزاد، ۲۱ (۲۲.۵) درصد آنها کارمند دولتی، ۱۵ (۱۳) درصد دانشجوی، ۱۷ (۱۷) درصد خانه‌دار، به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است؛ بقیه پاسخگویان نیز شامل کارمندان بخش خصوصی، کارگر ساده و سایر می‌باشند. جدول شماره ۵-۱ نتایج مربوط به سن پاسخگویان را در آبرسان و شریعتی را نشان می‌دهد.

جدول (۳). اطلاعات توصیفی کاربران پاسخگوی فضای خیابان شریعتی و آبرسان

شاخص	متغیر	فراوانی		درصد		شاخص	متغیر	فراوانی		درصد	
		آبرسان	شریعتی	آبرسان	شریعتی			آبرسان	شریعتی	آبرسان	شریعتی
جنس	مرد	۱۲۳	۱۳۴	۶۱.۵٪	۶۷٪	سن	۲۰-۳۰	۳۳	۲۱	۱۶٪	۱۰.۵٪
		۷۷	۶۶	۲۸.۵٪	۳۳٪		۳۰-۴۰	۱۰۰	۹۲	۵۰٪	۴۶٪
		۳	۰	۱.۵٪	۰٪		۴۰-۶۰	۵۶	۷۱	۲۸٪	۳۵.۵٪
		۴۴	۴۲	۳۲٪	۲۱٪		۶۰+	۱۲	۱۶	۶٪	۸٪
تحصیلات	بی‌سواد	۳۶	۳۴	۱۸٪	۱۷٪	شغل	کارمند دولتی	۴۲	۴۵	۲۱٪	۲۲.۵٪
		۳۲	۳۱	۱۶٪	۱۵.۵٪		کارمند خصوصی	۱۵	۱۸	۷.۵٪	۹٪
		۵۷	۶۳	۲۸.۵٪	۳۱.۵٪		کارگر ساده	۵	۴	۲.۵٪	۲٪
		۲۱	۲۲	۱۰.۵٪	۱۱٪		دانشجو	۳۰	۲۶	۱۵٪	۱۳٪
		۷	۸	۳.۵٪	۴٪		خانه‌دار	۳۴	۳۴	۱۷٪	۱۷٪
		۲۱	۲۲	۱۰.۵٪	۱۱٪		آزاد	۶۵	۶۵	۳۲.۵٪	۳۲.۵٪
		۳۶	۳۴	۱۸٪	۱۷٪		سایر	۹	۸	۴.۵٪	۴٪
		۳۲	۳۱	۱۶٪	۱۵.۵٪						

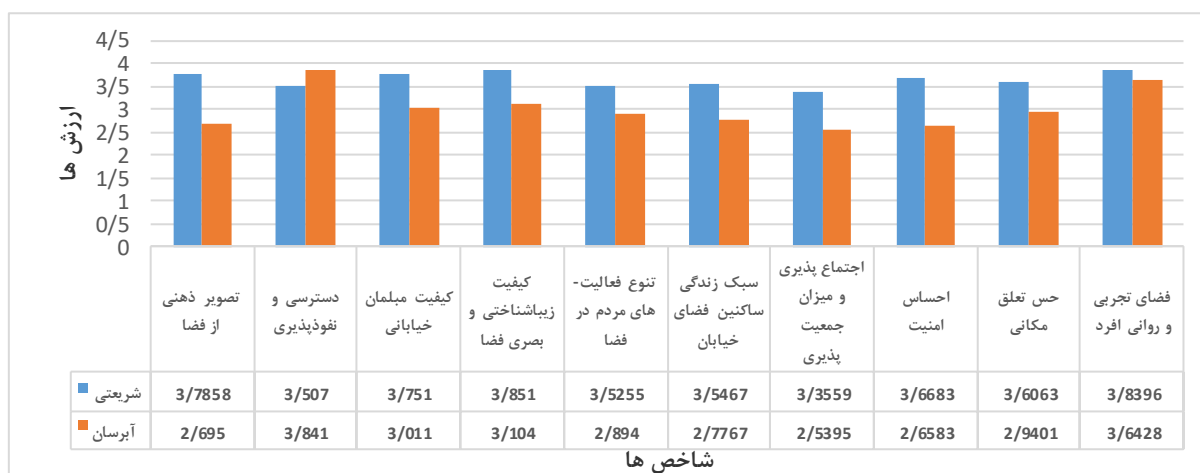
منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۰)

نتایج توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی شامل میانگین، انحراف از معیار و خطای استاندارد میانگین مورد بررسی قرار گرفت، که جدول ذیل نتایج بررسی توصیفی میانگین برخوردارگی مکان‌های سنتی و مدرن از نظر شاخص‌های مورد استفاده را نشان می‌دهد. در اینجا باید افزود که از نتایج گویه‌های مربوط به هر متغیر مستقل و متغیر وابسته، میانگین گرفته شده و نمره هر کدام از متغیرها به دست آمده است.

جدول (۴). مقایسه نتایج توصیفی مربوط به شاخص‌های مورد استفاده در بافت سنتی و مدرن شهر تبریز

شاخص	خیابان	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
تصویر ذهنی از فضا	شریعتی	۲۰۰	۳.۷۸۵۸	۰.۷۶۰۰	۰.۰۴۹۹۲
	آبرسان	۲۰۰	۲.۶۹۵۰	۱.۰۵۱۹۹	۰.۰۷۴۳۹
دسترسی و نفوذپذیری	شریعتی	۲۰۰	۳.۵۰۷۰	۰.۶۳۳۲۷	۰.۰۴۴۷۹
	آبرسان	۲۰۰	۳.۸۴۱۰	۰.۵۵۲۸۵	۰.۰۳۶۰۹
کیفیت میلمان خیابانی	شریعتی	۲۰۰	۳.۷۵۱۰	۰.۶۳۷۹۹	۰.۰۴۵۱۱
	آبرسان	۲۰۰	۳.۰۱۱۰	۰.۸۲۳۵۷	۰.۰۵۸۲۴
کیفیت زیباشناختی و بصری فضا	شریعتی	۲۰۰	۳.۸۵۱۰	۰.۶۳۴۰۴	۰.۰۴۴۸۳
	آبرسان	۲۰۰	۳.۱۰۴۰	۰.۹۲۷۵۲	۰.۰۶۵۵۹
تنوع فعالیت‌های مردم در فضا	شریعتی	۲۰۰	۳.۵۲۵۵	۰.۵۷۱۹۶	۰.۰۴۰۴۴
	آبرسان	۲۰۰	۲.۸۹۴۰	۰.۷۷۸۷۱	۰.۰۵۵۰۰
سبک زندگی ساکنین فضای خیابان	شریعتی	۲۰۰	۳.۵۴۶۷	۰.۶۷۱۷۱	۰.۰۴۷۵۰
	آبرسان	۲۰۰	۲.۷۷۶۷	۰.۸۶۶۹۸	۰.۰۶۱۳۰
اجتماع پذیری و میزان جمعیت پذیری	شریعتی	۲۰۰	۳.۳۵۵۹	۰.۶۱۷۱۷	۰.۰۴۳۶۴
	آبرسان	۲۰۰	۲.۵۳۹۵	۰.۸۵۵۷۷	۰.۰۶۰۵۱
احساس امنیت	شریعتی	۲۰۰	۳.۶۶۸۳	۰.۶۵۰۱۳	۰.۰۴۵۹۷
	آبرسان	۲۰۰	۲.۶۵۳۳	۱.۱۰۳۲۲	۰.۰۷۸۰۵
حسن تعلق مکانی	شریعتی	۲۰۰	۳.۶۰۶۳	۰.۷۸۹۶۱	۰.۰۵۵۸۴
	آبرسان	۲۰۰	۲.۹۴۰۱	۰.۷۲۶۰۱	۰.۰۵۱۳۴
فضای تجربی و روانی افراد	شریعتی	۲۰۰	۳.۸۳۹۶	۰.۶۵۱۵۴	۰.۰۴۶۰۷
	آبرسان	۲۰۰	۳.۶۴۲۸	۰.۷۶۱۰۳	۰.۰۵۳۸۱

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰)



شکل (۲): نمودار وضعیت برخورداری متغیرهای مورد مطالعه در دو خیابان شریعتی و آبرسان بر مبنای میانگین

(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۰)

نتایج جدول شماره (۴) و نمودار شماره (۲) نشان می‌دهد در خیابان شریعتی، متغیرهای کیفیت زیباشناختی و بصری فضا با میانگین (۳/۸۵)، تصویر ذهنی از فضا با میانگین (۳/۷۸)، کیفیت مبلمانی خیابانی شهر با میانگین (۳/۷۵)، احساس امنیت در فضای خیابان با میانگین (۳/۶۶)، حس تعلق به مکانی با میانگین (۳/۶۰)، فضای تجربی و روانی افراد با میانگین (۳/۸۳)، سبک زندگی ساکنین با میانگین (۳/۵۴)، تنوع فعالیت‌های مردم در فضا با میانگین (۳/۵۲)، دسترسی و نفوذپذیری (۳/۵۰) اجتماع پذیری و میزان جمعیت پذیری با میانگین (۳/۳۵) به ترتیب میانگین بهتری در خیابان شریعتی دارد. اما در آبرسان متغیرهای دسترسی و میزان نفوذپذیری است با میانگین (۳/۸۴)، فضای تجربی و روانی افراد با میانگین (۳/۶۴)، کیفیت زیباشناختی و بصری فضا با میانگین (۳/۱۰)، کیفیت مبلمانی خیابانی شهر با میانگین (۳/۰۱)، حس تعلق به مکانی با میانگین (۲/۹۴)، تنوع فعالیت‌های مردم در فضا با میانگین (۲/۸۹)، سبک زندگی ساکنین با میانگین (۲/۷۷)، تصویر ذهنی از فضا با میانگین (۲/۷۰)، احساس امنیت در فضای خیابان با میانگین (۲/۶۶)، اجتماع پذیری و میزان جمعیت پذیری با میانگین (۲/۵۳) به ترتیب بیشترین تا کمترین میانگین را به دست آوردند.

در مجموع خیابان شریعتی در تمامی متغیرهای میانگین بالاتری نسبت به آبرسان دارند، تنها متغیری که آبرسان در آن دست بالا را دارد متغیر دسترسی و میزان نفوذپذیری است با میانگین (۳/۷۵) به سود خیابان آبرسان و (۳/۵۰) در شریعتی است. به عبارت دیگر ترتیب فوق در واقع رتبه برخورداری هر متغیر در دو خیابان شریعتی و آبرسان می‌باشد که مبنای آن نظریات کاربران خیابانی آنهاست.

برای بررسی و تحلیل آماری نتایج استنباطی تاثیر یافت سنتی و مدرن در هویت مکان و شاخص‌های اصلی تاثیرگذار بر آن در نمونه‌های آماری، از آزمون تی دو نمونه‌ای استفاده شده است که از طریق آزمون لون و تی^۱ بدان پرداخته می‌شود؛ جدول ذیل نتایج کلی حاصل از این آزمون‌ها را نشان می‌دهد.

¹. Levene's Test and T test



جدول (۵). نتایج استنباطی آزمون تی برای ده متغیر مورد بررسی در دو خیابان شریعتی و آبرسان

فرض برابری واریانس	آزمون لون		آزمون تی						
	F	سطح معناداری	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	تفاوت خطای استاندارد	حد بالا	حد پایین
تصویر ذهنی از فضا	۶۳۶۲۲	۰.۰۰۰	۱۲.۱۷۶	۳۹۸	۰.۰۰۰	۱.۰۹۰۸۳	۰.۰۸۹۵۹	۰.۹۱۴۷۱	۱.۲۶۶۹۵
دسترسی و نفوذپذیری	۲.۷۰۲	۰.۱۰۱	-۵.۶۱۸	۳۹۸	۰.۰۰۰	-۰.۳۳۴۰۰	۰.۰۵۹۴۵	-۰.۴۵۰۸۷	-۰.۲۱۷۱۳
کیفیت میلمان خیابانی	۵۴.۳۶۱	۰.۰۰۰	۱۰.۰۴۵	۳۹۸	۰.۰۰۰	۰.۷۴۰۰۰	۰.۰۷۳۶۶	۰.۵۹۵۱۸	۰.۸۸۴۸۲
کیفیت زیباشناختی فضا	۳۹.۴۱۹	۰.۰۰۰	۹.۴۰۳	۳۹۸	۰.۰۰۰	۰.۷۴۷۰۰	۰.۰۷۹۴۴	۰.۵۹۰۸۲	۰.۹۰۳۱۸
تنوع فعالیت‌های مردم در فضا	۵۲.۵۸۹	۰.۰۰۰	۹.۲۵۰	۳۹۸	۰.۰۰۰	۰.۶۳۱۵۰	۰.۰۶۸۲۷	۰.۴۹۷۲۸	۰.۷۶۵۷۲
سبک زندگی ساکنین فضا	۳۷.۸۵۴	۰.۰۰۰	۹.۹۲۹	۳۹۸	۰.۰۰۰	۰.۷۷۰۰۰	۰.۰۷۷۵۵	۰.۶۱۷۵۴	۰.۹۲۳۴۶
اجتماع پذیری و میزان جمعیت	۶۸.۷۹۴	۰.۰۰۰	۱۰.۹۴۲	۳۹۸	۰.۰۰۰	۰.۸۱۶۳۶	۰.۰۷۴۶۱	۰.۶۶۹۶۹	۰.۹۶۳۰۴
احساس امنیت	۱۸۶.۳۴۷	۰.۰۰۰	۱۱.۲۰۵	۳۹۸	۰.۰۰۰	۱.۰۱۵۰۰	۰.۰۹۰۵۸	۰.۸۳۶۹۲	۱.۱۹۳۰۸
حس تعلق مکانی	۴.۲۷۳	۰.۰۳۹	۸.۷۸۲	۳۹۸	۰.۰۰۰	۰.۶۶۶۱۳	۰.۰۷۵۸۵	۰.۵۱۷۰۱	۰.۸۱۵۲۴
فضای تجربی و روانی افراد	۵.۵۴۸	۰.۰۱۹	۲.۷۷۹	۳۹۸	۰.۰۰۶	۰.۱۹۶۸۷	۰.۰۷۰۸۴	۰.۰۵۷۶۱	۰.۳۳۶۱۴

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰)

جدول شماره (۵) نتیجه آزمون تی از تاثیر بافت سنتی و مدرن بر هر یک از ده متغیر مورد مطالعه در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان) را نشان می‌دهد که اساسا در مورد میانگین جامعه آماری و نحوه توزیع داده‌ها دست به قضاوت می‌زند.

تصویر ذهنی از فضا

تصویر ذهنی افراد و کاربران یعنی رابطه میان نقشه کارتوگرافیکی و ماهیت جهان در سر (چشمان ذهن، یک اطلس ذهنی، جغرافیا در اذهان انسان‌ها و...) امری مهمی در تحلیل هویت مکان خیابان است. نتایج جدول نشان‌دهنده این امر است که تحلیل تصویر ذهنی از فضای دو خیابان شریعتی و آبرسان که حد بالا و پایین مثبت است و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد می‌باشد و با اطمینان ۹۵ درصد فرض عدم برابری میانگین تصویر ذهنی از فضا در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود؛ بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان آبرسان و شریعتی از نظر برخورداری از تصویر ذهنی وجود دارد، و به عبارت دیگر بافت سنتی و مدرن در دو نوع متفاوت تصویر ذهنی از فضا را پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول (۵) میانگین خیابان شریعتی از نظر تصویر ذهنی به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با ۳/۷۸ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت مدرن برابر ۲/۶۹ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از ۵ درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان شریعتی از نظر تصویر ذهنی از فضا معنی‌دار و مورد قبول است، و این امر به طور کلی نشان می‌دهد میانگین کیفیت تصویر ذهنی از فضا در دو خیابان متفاوت، و خیابان شریعتی دارای میانگین بالاتری نسبت به خیابان آبرسان را داراست.

شاخص دسترسی و نفوذپذیری در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان)

قابل‌دسترس‌ترین نقطه عبارت از نقطه‌ای است که در مقایسه با سایر نقاط، به راحت‌ترین وجه ممکن می‌توان به آن دست یافت و در معرض دید مخاطبین و کاربران باشد، و به طور واضح این پیام را منتقل کند که مکان قابل استفاده و برای استفاده شدن است که در اینجا به روشنی نسبت وثیق آن با مفهوم جذابیت فضا قابل مشاهده است. نتایج جدول فوق که تحلیل دسترسی و نفوذپذیری در دو خیابان شریعتی و آبرسان نشان می‌دهد که حد بالا و پایین منفی است و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد می‌باشد و با اطمینان ۹۵ درصد فرض عدم برابری میانگین دسترسی و نفوذپذیری در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود. بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان آبرسان و شریعتی از نظر برخورداری از تصویر ذهنی وجود دارد؛ به عبارت دیگر بافت سنتی و مدرن در دو نوع متفاوت تصویر ذهنی از فضا را پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول (۵) میانگین خیابان شریعتی از نظر دسترسی به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با ۳/۵۰ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت

مدرن برابر ۳/۸۴ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از ۵ درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان آبرسان از نظر دسترسی و نفوذپذیری معنی‌دار و مورد قبول است. به طور کلی جدول (۵) نیز نشان می‌دهد میانگین کیفیت دسترسی و نفوذپذیری در دو خیابان متفاوت است و خیابان آبرسان دارای میانگین بالاتری نسبت به خیابان شریعتی می‌باشد.

شاخص کیفیت مبلمان خیابانی شهر در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان)

مبلمان خیابانی شامل «عناصر سخت منظر شهری به مانند نورپردازی، باجه‌های تلفن، نیمکت‌ها، گلدان‌ها، علائم و تابلوهای راهنمایی، دوربین‌های کنترل‌کننده، کیوسک‌های پلیس، بولاردها، نرده و دیوارهای حائل، حصارها، فواره‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، مجسمه‌ها، درختکاری و غیره است که به آفرینش هویت و شخصیت فضا کمک می‌نماید. نتایج جدول (۵) که تحلیل کیفیت مبلمان خیابانی شهر دو خیابان شریعتی و آبرسان است، نشان می‌دهد که حد بالا و پایین مثبت است و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد می‌باشد و با اطمینان ۹۵ درصد فرض عدم برابری میانگین کیفیت مبلمان خیابانی شهر در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود؛ بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان آبرسان و شریعتی از نظر برخورداری از کیفیت مبلمان خیابانی شهر وجود دارد؛ به عبارت دیگر سنت و مدرنیته در دو نوع متفاوت کیفیت مبلمان خیابانی شهر را پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول (۴) میانگین خیابان شریعتی از نظر کیفیت مبلمان خیابانی شهر به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با ۳/۷۵ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت مدرن برابر ۳/۰۱ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از ۵ درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان شریعتی از نظر کیفیت مبلمان خیابانی شهر معنی‌دار و مورد قبول است. همان طور که جدول (۵) نیز نشان می‌دهد، میانگین کیفیت مبلمان خیابانی شهر در دو خیابان متفاوت است و خیابان شریعتی دارای میانگین بالاتری نسبت به خیابان آبرسان می‌باشد.

شاخص زیباشناختی و بصری فضا در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان)

زیبایی‌شناسی، جنبه مهمی از رابطه انسان با مکان و چشم‌انداز آن است که در آن به روشنی تعامل میان محیط فیزیکی و احساسات، عواطف، و افکار ایجاد می‌شود. بناهای شهری نه تنها بر ذهن افرادی که سازنده آنها هستند تاثیر می‌گذارند، بلکه بر فعالیت درون - ذهنی افرادی که با مشاهده بناها آنها را تجربه می‌کنند تاثیر متقابلی دارند. محیط شهری خوب و خیابان‌های شریعتی و آبرسان، تنوعی از ساختمان‌های قدیمی و جدید، کوچک و بزرگ، سرزنده زیاد را داراست. اگرچه این امر به ظاهر ساده به نظر می‌رسد، اما تنوع برای ایجاد یک علاقه بصری که تصور و دریافت ذهنی را درگیر، و چشمان را به سوی خود جلب می‌کند، در مقام تحلیل هویت مکان ضرورت دارد. به عبارت دیگر، زیبایی به شکل پدیده‌ای بصری، یکی از عوامل اصلی است که به فضای دو خیابان مورد مطالعه، کیفیت تجربی می‌بخشد. نتایج جدول فوق که تحلیل کیفیت زیباشناختی و بصری فضا دو خیابان شریعتی و آبرسان است، نشان می‌دهد که حد بالا و پایین مثبت است و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد می‌باشد و با اطمینان ۹۵ درصد فرض عدم برابری میانگین کیفیت زیباشناختی و بصری فضا در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود؛ بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان آبرسان و شریعتی از نظر برخورداری از کیفیت مبلمان خیابانی شهر وجود دارد؛ به عبارت دیگر سنت و مدرنیته در دو نوع متفاوت کیفیت زیباشناختی و بصری فضا را پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول (۵) میانگین خیابان شریعتی از نظر کیفیت زیباشناختی و بصری فضا به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با ۳/۸۵ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت مدرن برابر ۳/۱۰ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از ۵ درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان شریعتی از نظر کیفیت زیباشناختی و بصری فضا معنی‌دار و مورد قبول و میانگین کیفیت زیباشناختی و بصری فضا در دو خیابان متفاوت است و خیابان شریعتی دارای میانگین بالاتری نسبت به فضای خیابانی آبرسان می‌باشد.

شاخص تنوع فعالیت‌های مردم در فضا در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان)

اساساً میدان‌ها و خیابان‌های اصلی مکان‌های مطلوبی برای ساختمان‌های عمومی معمولاً رسمی و باشکوه هستند. از سوی دیگر وجود بناها و المان‌های مهم تاریخی و با ارزش در فضای خیابان وسیله ارتباطات اجتماعی در شهرند، زیرا ساختمان‌ها گواهی بر قدرت



حافظه هستند که اطلاعات، ارزش‌ها و احساسات از طریق آنها به مردم انتقال داده می‌شود. بنابراین وجود این بناها و المان‌ها به صورت گوناگون استفاده‌کنندگان از فضای خیابان را متاثر می‌سازد که ضمن راحتی و سهولت، تنوع، هویت، خوانایی و معنی را در فضای آن ایجاد کرده و سطح آگاهی شهروندان و کاربران آن را ارتقا می‌بخشد. نتایج جدول (۵) که تحلیل تنوع فعالیت‌های مردم در فضا دو خیابان شریعتی و آبرسان نشان می‌دهد که حد بالا و پایین مثبت است و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی برابر با $0/000$ و کمتر از 5 درصد می‌باشد و با اطمینان 95 درصد فرض عدم برابری میانگین تنوع فعالیت‌های مردم در فضا در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود. بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان آبرسان و شریعتی از نظر برخورداری از تنوع فعالیت‌های مردم در فضا وجود دارد. به عبارت دیگر سنت و مدرنیته در دو نوع متفاوت کیفیت تنوع فعالیت‌های مردم در فضا را پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول (۴) میانگین خیابان شریعتی از نظر تنوع فعالیت‌های مردم در فضا به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با $3/52$ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت مدرن برابر $2/89$ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از 5 درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان شریعتی از نظر تنوع فعالیت‌های مردم در فضا معنی‌دار و مورد قبول است. و مطابق با میانگین تنوع فعالیت‌های مردم در فضا در دو خیابان متفاوت است و خیابان شریعتی دارای میانگین بالاتری نسبت به خیابان آبرسان می‌باشد.

شاخص سبک زندگی ساکنین فضا در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان)

مطلوبیت نسبتاً بالای محیطی، اقتصادی - اجتماعی ناحیه آبرسان و شریعتی سبب افزایش تمایل گروه‌های متوسط و پردرآمد جامعه برای سکونت در محلات آبرسان و شریعتی گردیده است. اما شناسایی و مشخص کردن خصوصیات اساسی الگوهای فرهنگی این دو ناحیه برای به دست آوردن و تهیه نقشه ناحیه فرهنگی آن با کمبود شدید در مطالعات، و دشواری‌های بسیار برای روش‌های نائل آمدن به این امر مواجه است. مطابق با مطالعات میدانی در مقیاس بزرگ درون ناحیه آبرسان و شریعتی از نقطه نظر فضایی دارای بافت اجتماعی و فرهنگی متفاوت است، ولی در حالت کلی ساکنین آن دارای سبک زندگی مدرن هستند و نسبت به جهان گشوده‌ترند. بدین معنا در فضای آنها حسی از جهان مدرن و نظم فیزیکی (ترکیب و نمای ساختمان‌ها) و معنای فرهنگی خاص، تجربه «اینجا بودن» را برای هر کسی کاملاً ملموس می‌کند. ساکنان محلات در آبرسان و شریعتی از قشرهای تحصیل‌کرده، اساتید و شاغلان در دانشگاه‌ها، پزشکان، معلمان مدارس، کارمندان و غیره هستند، و از حیث طبقاتی و درآمدی جزو اقشار متوسط به بالا جامعه شهری تبریز محسوب می‌شوند. بافت تجاری در دو فضای خیابانی در مرکز محل شامل مغازه‌های خرده‌فروشی، خدماتی و... بوده که در این فضا فروشندگان این فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی ترکیبی از مردان و زنان هستند. جغرافیای زیست شده منطقه به دلیل گسترده بودن و پوشش این خیابان‌ها با داشتن روزنامه‌فروشی را دارد و نسبت به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و تغییرات در مقیاس کلی آگاه هستند. به دلیل وجود دانشگاه و حضور دانشجویان، چهره و شکل لباس پوشیدن جوانان تفاوت محسوسی با سایر مناطق تبریز نیز دارد. همچنین در مصاحبه اهالی محله‌های این دو خیابان برای نمونه مردان مسن اظهار می‌کردند که نسبت به دختران با لباس‌های به روز و مدرن، اصل را بر «نجابت و عقیف بودن» آنها قرار می‌دهد، و در نگاه خود آنها را دخترها و ناموس خود محسوب می‌کرد.

نتایج جدول (۵) مطابق با پرسشنامه که تحلیل سبک زندگی ساکنین فضای دو خیابان شریعتی و آبرسان نشان می‌دهد که حد بالا و پایین مثبت بوده و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی برابر با $0/000$ و کمتر از 5 درصد می‌باشد و با اطمینان 95 درصد فرض عدم برابری میانگین سبک زندگی ساکنین فضا در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود. بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان از نظر برخورداری از سبک زندگی ساکنین فضا وجود دارد؛ به عبارت دیگر سنت و مدرنیته در دو نوع متفاوت کیفیت سبک زندگی ساکنین فضا را پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول (۴) میانگین خیابان شریعتی از نظر سبک زندگی ساکنین فضا به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با $3/54$ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت مدرن برابر $2/77$ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از 5 درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان شریعتی از نظر سبک زندگی ساکنین فضا معنی‌دار و مورد قبول است. همان طور که نمودار شکل (۲) نیز نشان می‌دهد، میانگین تنوع فعالیت‌های مردم در فضا در دو خیابان متفاوت است و خیابان شریعتی دارای میانگین بالاتری نسبت به خیابان آبرسان می‌باشد.

شاخص اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان)

مکان‌ها به مانند انسان‌ها، شخصیت‌های واقعی و عینی را دارا هستند. معمولاً مردم جذب مکان‌هایی می‌شوند که از آن عبور می‌کنند و حضور دیگران، بیشترین جاذبه را برای آنها دارد. محور مورد مطالعه در آبرسان و شریعتی، همواره از شلوغی‌ها و هیاهوها سرشار است و این امر که همیشه افرادی که به دیدن و تماشا مشغولند در این محور خاصه خود چهارراه آبرسان و شریعتی پر شده است. جمعیت آبرسان و شریعتی در ساعات شبانه روز، روزهای هفته و فصل‌های سال، دچار تغییر و تحولات عظیمی می‌شوند؛ در ساعات اولیه صبح روز کاری فصل بهار از ساعت ۷/۳۰ به بعد امواج زیادی از رفت و آمد جمعیتی برای رسیدن به فضای فعالیت‌های شغلی خود از چهارراه‌های این دو خیابان عبور می‌کنند، بعد از یک ساعت این شدت جمعیتی رو به کاهش و آرامی می‌گذارد، و در نزدیکی‌های ساعت ۱۱/۱۵ به بعد باز این فرسایش جمعیتی، منحنی تصاعدی را به دلیل تمام شدن ساعات درسی دانش‌آموزان و دانشجویان مدارس، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های موجود در محور و نیز جهت مصرف غذا در رستوران‌ها، فست‌فودهای موقع ناهار برای کارمندان و... می‌یابد، از ساعت ۵-۲۰ نیز شاهد افت و حضور جمعیت در منطقه مورد مطالعه می‌شویم، اما زمان احیا و رنسانس روزانه آبرسان و شریعتی از ساعت ۵ عصر به بعد آغاز می‌شود و تا ساعت نزدیک ۹ شب، جنب و جوش و حجم انبوهی از جمعیت در طول خیابان‌های مورد مطالعه این حالت رو به صعود گذاشته و در چهارراه‌های آن به اوج خود می‌رسد، به گونه‌ای که به قدری تنش جمعیتی در این ساعات زیاد می‌شود که عابران مجبورند با احتیاط گام بر داشته تا کسی را لگد نکنند، اما در تنش و تماس بدنی ناشی از ازدحام و شلوغی جمعیت میان آنها، معمولاً رفتار گلایه-آمیز به ندرت اتفاق می‌افتد. در این ساعات، محیط تقریباً مردانه و انتزاعی روز یعنی ساختمان‌های بلند اداری و ماشین‌های پر سرعت، با جنبه‌های عاطفی و جنسی شب همزیستی می‌کنند. گویی که آنها اعضای یک بدن زنده‌اند، و سپس به مرور زمان شاهد کاهش شدید جمعیت و افراد پیاده و حتی اتومبیل در آن شده و فضای خیابانی آن به سان فضای کلی شهر تبریز به خواب فرو می‌رود. البته این ساعات بر اساس فصول مختلف سال، دچار نوسانات و حجم جمعیتی می‌شود که بر مبنای یک اوج در بهار و اواخر تابستان تا اواسط پاییز، و یک حضيض در زمستان و روزهای سرد آن در تبریز مواجه می‌شویم که این ادوار موجی شکل ثابت، حاصل نقش زمان در پخش فضایی جمعیت محور آبرسان و شریعتی است. اگر این امر را بر مبنای روزهای هفته نیز پیش ببریم در شروع هفته کاری در روز شنبه، سرزندگی فضای محور خاصه در بخش چهارراه‌های آنها بیشتر می‌شود و در روز جمعه سرزندگی، حضور جمعیت و فعالیت در فضای آن به پایین‌ترین مقدار خود می‌رسد. این امر در روزهای تعطیلات دانشگاهی در طول ایام و ماه‌های سال نیز صدق می‌کند که حکایت از وابستگی شدید این محور به فعالیت دانشگاه‌های تبریز، علوم پزشکی و سایر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و درمانی دیگر را می‌کند. مطابق با این استدلال، نتایج جدول فوق که تحلیل اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری دو خیابان شریعتی و آبرسان است، نشان می‌دهد که حد بالا و پایین مثبت است و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد می‌باشد و با اطمینان ۹۵ درصد فرض عدم برابری میانگین اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود؛ بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان آبرسان و شریعتی از نظر برخورداری از اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری وجود دارد؛ به عبارت دیگر بافت سنتی و مدرن در دو نوع متفاوت کیفیت اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری را پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول (۵) میانگین خیابان شریعتی از نظر اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری فضا به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با ۳/۳۵ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت مدرن برابر ۲/۵۳ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از ۵ درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان شریعتی از نظر اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری فضا معنی‌دار و مورد قبول است. همان طور که نمودار شکل (۲) نیز نشان می‌دهد، میانگین اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری در دو خیابان متفاوت است و خیابان شریعتی دارای میانگین بالاتری نسبت به خیابان آبرسان می‌باشد.

شاخص احساس امنیت در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان)

واژه «ایمن» به معنای بر نیاشسته از ترس، تردید، یا آسیب‌پذیر است، که بر اساس سن، جنس، طبقه و... این امر متفاوت است، که این امر در مباحث جنسیتی شکلی روشن به خود می‌گیرد؛ زیرا بر مبنای نظر متخصصان شهری، مرزهای طردشدگی، غالباً جنسیتی هستند. احساس امنیت از نیازهای اساسی انسان‌ها برای بقا و محافظت از خویش است، نکته مهم در اینجا این استدلال است که همواره



حضور مردم در یک فضا موجب ایجاد و ارتقای این حس می‌شود و نشان از آن دارد که مکان، از امنیت خوب و قابل قبولی را داراست. خیابان‌ها از جمله حساس‌ترین فضاهایی است که محل تعامل اکثریت شهروندان تبریز بوده و محدودیتی در برقراری ارتباط و تعامل مردم در آن وجود ندارد، چنین خیابان‌هایی معمولاً از الگوی اصلی شهر پیروی می‌نمایند و نشان‌دهنده روابط واقعی جامعه است، به طوری که ذهن شهروند را انباشته از ترس‌ها و خاطرات مشترک نموده و حیات مدنی آن جامعه را شکل می‌دهند، و خیابان‌های شریعتی و آبرسان در تبریز نمونه مشخصی از چنین خیابان‌هایی است که در آن بین احساس امنیت درک شده از فضا و میزان تردد و استفاده از فضا رابطه مستقیم وجود دارد، و در بعد کالبدی - اجتماعی، آشنا بودن محیط، کاربران و ساکنین تحصیلکرده و... تا حدودی به شهرت محیط خودشان کمک نموده است. نتایج جدول فوق که تحلیل احساس امنیت در فضای دو خیابان شریعتی و آبرسان است، نشان می‌دهد که حد بالا و پایین مثبت است و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی برابر با $0/000$ و کمتر از 5 درصد می‌باشد و با اطمینان 95 درصد فرض عدم برابری میانگین میزان احساس امنیت در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود؛ بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان آبرسان و شریعتی از نظر برخورداری از احساس امنیت در فضا وجود دارد؛ به عبارت دیگر سنت و مدرنیته در دو نوع متفاوت کیفیت احساس امنیت در فضا را پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول (۴) میانگین خیابان شریعتی از نظر احساس امنیت فضا به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با $3/66$ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت مدرن برابر $2/65$ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از 5 درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان شریعتی از نظر احساس امنیت در فضا معنی‌دار و مورد قبول است. همان طور که نمودار شکل شماره (۴) نیز نشان می‌دهد، میانگین احساس امنیت در دو خیابان متفاوت است و خیابان شریعتی دارای میانگین بالاتری نسبت به خیابان آبرسان می‌باشد.

شاخص حس تعلق مکانی در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان)

یکی از آرمان‌های متصور بر فضاهای عمومی، ارتقای آن تا سطح مکان است. عوامل موثری در گذر از فضا به مکان دخالت دارد که یکی از مهمترین آنها، خاطره‌انگیزی مکان است. رویدادها و تعاملات انسان است که بحث خاطره‌انگیزی فضا و در امتداد با تجربه‌های پیشین و آتی او قرار می‌گیرد و در این حالت است که پدیده‌ای به نام خاطره جمعی شکل می‌گیرد و به مرور زمان در ذهن شهروندان جای می‌گیرد و بخشی از هویت مشترک یک جامعه می‌شود، از این رو در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری، مفهوم خاطره جمعی در ارتباطی تنگاتنگ با مفهوم مکان قرار دارد. برای دیدن چشم‌انداز و هویت مکان یک خیابان، علاوه بر معناشناسی صورتی آن، بایستی در نظام ارتباطات در دو شکل اعمال ساخت‌یافته سیاسی و شهودات فردی نیز نگریست. از این منظر مکان یک فرایند در حال شدن است. فضای خیابانی آبرسان و شریعتی یک نوع خاصی از مکان است که می‌تواند به نگارش در بیاید. شهروندان تبریزی و کاربران آن، نسبت به این فضاهای شهری، حس قوی مکانی دارند؛ یعنی احساسی برای ویژگی‌هایی که به تمایز این نقطه و موقعیت خاص در تبریز، نسبت به سایر نقاط و خیابان‌های دیگر شهر دارند. این فضای شهری توسط کاربران، رمان‌نویسان، شاعران، روزنامه‌نگاران، عکاسان، تبلیغ‌کنندگان، برنامه‌ریزان و سیاستمداران به شیوه‌های مختلفی، خاطره مکانی آن بازنمایی گردیده است، از این رو آبرسان و شریعتی به مقام «اسطوره» در اذهان شهروندان و بازدیدکنندگان از تبریز در آمده است که به تعبیری گفتمانی، آن را انتقال می‌دهد؛ گفتمان‌هایی که صاحبان قدرت از یک سو، و هنرمندان، شاعران، نویسندگان و انسان‌های جغرافیایی از دیگر سو سازندگان اسطوره‌های امروزی‌اند. حوزه آبرسان و شریعتی، در عین حال یک اقلیم روانی نیز هست که نمودار صمیمیت است که نه تنها کار ترافیک عبوری را انجام می‌دهد، بلکه به عنوان مکان‌های ملاقات، مبادله کالا و اطلاعات نیز عمل می‌کند. این نواحی، فضایی را به وجود آورده است که با تاثیر متقابل و فزاینده‌ای که حاصل پیوندهای گوناگون شهروندان در نقاط مختلف شهر را دارند، به نماد و نشانه تبدیل شده، و احساس تعلق به شهر را در شهروندان به وجود آورده است. تصویر ذهنی شهروندان و کاربران از این فضاها، و مقیاس‌های آن به گونه‌ای است که فضایی عمومی‌تر، متنوع و پر از رویداد را توقع دارند. فضای خیابانی آبرسان و شریعتی دارای ساختمان‌ها، پارک‌ها، رنگ‌ها، انسان‌ها، چشم‌انداز فیزیکی و فرهنگی، اقلیم روانی و حضوری خاص است که آن را از سایر خیابان‌های شهر تبریز متمایز می‌سازد، و در چنین فضایی، انسان‌ها را به طور مداوم به خاطرات وصل می‌کند، و مانع از فراموش شدن‌شان می‌شود. نتایج جدول (۵) که تحلیل حس تعلق مکانی در فضای دو خیابان شریعتی و آبرسان نشان می‌دهد که حد بالا و پایین مثبت است و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون

تی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد می‌باشد و با اطمینان ۹۵ درصد فرض عدم برابری میانگین حس تعلق مکانی در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود؛ بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان آبرسان و شریعتی از نظر برخورداری از حس تعلق مکانی در فضا وجود دارد. به عبارت دیگر بافت سنتی و مدرن در دو نوع متفاوت کیفیت حس تعلق مکانی را پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول (۴) میانگین خیابان شریعتی از نظر حس تعلق مکانی به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با ۳/۶۰ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت مدرن برابر ۲/۹۴ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از ۵ درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان شریعتی از نظر حس تعلق مکانی معنی‌دار و مورد قبول است. همان طور که نمودار شکل (۱) نیز نشان می‌دهد، میانگین حس تعلق مکانی در دو خیابان متفاوت است و خیابان شریعتی دارای میانگین بالاتری نسبت به خیابان آبرسان می‌باشد.

شاخص فضای تجربی و روانی افراد در خیابان‌های بافت سنتی (شریعتی) و مدرن (آبرسان)

ادراک، تنها یک پدیده روانی - فیزیولوژیکی نیست، بلکه یک پدیده روانی - اجتماعی نیز هست. نگرش‌ها، پیش‌داوری‌ها، فکر قالبی و ارزش‌های فردی یا اجتماعی همه از عوامل تعیین‌کننده ادراک اجتماعی هستند. از سوی دیگر در هر دوره، جوانان از فرهنگ زمان خود تاثیر گرفته‌اند؛ هر چند سال با نسلی جدید که تفکر خاص خود را دارد برخورد می‌کنیم که در تولید فضای شهری نقش مهمی را حک می‌کنند. اساسا انسان اجتماعی در زمینه اجتماعی دم می‌زند، و همچون ماهی در آب، در فضای آن می‌زید و تقریبا به نحوی دائمی و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، آگاهانه یا ناآگاهانه، از این فضا متاثر می‌شود. بنابراین این ذهنیت‌های انسانی و فعالیت‌های اجتماعی است که خاستگاه‌های طبیعی‌شان را تغییر می‌دهند. به عبارت بهتر اینگونه باید گفت که فرهنگ، امر محوری در شکل‌دهی دگرگونی اجتماعی - فضایی است که در واقع تمامی جنبه‌های زندگی در شکل‌گیری و شکل‌دهی این تغییر، نقش خود را بازی می‌کند، که شهرشناسان این فرایندها را «اقتصاد فرهنگی جدید فضا» نامیده‌اند که بر مبنای آن، این فرایندها و عوامل، نیروهای تغییر به ویژه تغییرات معاصر با شدت بیشتری نسبت به گذشته رخ می‌دهد که اغلب در فرم‌ها و شکل‌های جدیدی مادیت می‌یابد و طرحواره ذهنی، احساسی و نمادین جدیدی را تولید می‌کند. از این منظر فضای پر جنب‌وجوش خیابان شریعتی و آبرسان در تبریز، امروزه انسان‌های جغرافیایی خاص زمان خود را پذیرا است، که با رشد فناوری و ارتباطات، دارای خود بدون مرز یا خود انبساط‌یافته‌ای است که امکان عبور از مرزهای جسمانی بدن، و توانا شدن در نزدیکی فضای مجازی تجربی و ذهن به یکدیگر در ارتباطات را تجربه می‌کند. این ارتباط است که به مکان، معنا می‌دهد و منجر به واقعه می‌شود؛ ارتباطات شبکه‌ای یا به عبارتی ناملموس جامعه شبکه‌ای شده، تمنای فضایی دارد که در آن لمس شود. بر همین مبنا، چشم‌انداز آبرسان و شریعتی در قالب کاربری، فعالیت، شبیه‌سازی بصری، تعریف مجددی در سال‌های اخیر می‌یابد، حضور پر رنگ کافی‌شاپ‌ها برای جوانان، خانه موسیقی و هنر، و پاتوق‌هایی در کتابفروشی‌ها و... در پاسخ به چنین فضایی ارتباطاتی است؛ فضاهایی که بر خلاف فرهنگ سنتی شهر تبریز، زنانه‌تر شده است و دو جنس مخالف خود را بیش از هر مکانی در شهر ظاهر می‌سازد. در عین حال حرکات ساکنین و استفاده‌کنندگان خیابان، تجربه‌ها و شاید احساسات آنها، تا یک اندازه‌ای در چشم‌انداز آن حک شده است و از سوی دیگر بر آنچه به تعبیر میشل دوسرتو درست است که نظم از پیش تعیین شده بر شهر و هژمونی مسلط توسط نهادهای سلطه (دولت، خانواده، مدرسه، تلویزیون و...) حکم می‌راند، اما آنچه در این فضا حائز اهمیت است، کشف این موضوع است که جامعه بدین سان در برابر این نظم مقاومت می‌کند، و با انواع روش‌های ساده‌ای چون لبخند، طرز لباس، کلمات، آرایش، و با شکل‌هایی چون قدم زدن در مراکز خرید و پاساژها، کافه و کافی‌شاپ رفتن افراد، به نوعی شکل‌گیری پاتوق‌ها و امکان‌هایی برای مقاومت در برابر دستگاه تبلیغات یکسویه آفریده و مکانیزم‌های قدرت را دستکاری می‌کنند تا به روشن نگه داشتن میدان‌های گفت‌وگوی عمومی و مباحثه عقلانی هم بیرون از سلطه پدر خانواده عمل می‌کنند و هم فارغ از نظام معانی و عینی دولت، صورتبندی می‌شوند. نتایج جدول فوق که تحلیل فضای تجربی و روانی افراد در فضای دو خیابان شریعتی و آبرسان نشان می‌دهد که حد بالا و پایین مثبت است و سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵ درصد می‌باشد و با اطمینان ۹۵ درصد فرض عدم برابری میانگین حس تعلق مکانی در دو خیابان شریعتی و آبرسان پذیرفته می‌شود. بدین معنا که تفاوت معنی‌داری بین دو خیابان آبرسان و شریعتی از نظر برخورداری از حس تعلق مکانی در فضا وجود دارد، به عبارت دیگر بافت سنتی و مدرن در دو نوع متفاوت کیفیت فضای تجربی و روانی افراد را



پشتیبانی و توسعه می‌دهند. با توجه به اینکه مطابق جدول شماره (۴) میانگین خیابان شریعتی از نظر فضای تجربی و روانی افراد به عنوان خیابان در بافت سنتی برابر با ۳/۸۳ و میانگین خیابان آبرسان به عنوان خیابان در بافت مدرن برابر ۳/۶۴ است، و سطح معنی‌داری نیز کمتر از ۵ درصد و گویای تفاوت معنی‌دار میانگین می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که برتری میانگین خیابان شریعتی از نظر حس تعلق مکانی معنی‌دار و مورد قبول است. همان طور که نمودار شکل شماره (۲) نیز نشان می‌دهد، میانگین فضای تجربی و روانی افراد در دو خیابان متفاوت است و خیابان شریعتی دارای میانگین نسبتاً بالاتری نسبت به خیابان آبرسان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

هویت مکان، پیش‌نیاز و پیش‌شرطی برای برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار و تاثیر زیادی بر پایداری زنجیره ارزش‌ها، انسجام اجتماعی - سیاسی در قالب مفهوم حق به شهر، شکل‌گیری و تقویت فرهنگ مدنی و دموکراتیک، و احساس نیکبختی، نشاط و حیات شهری در سطوح کنش‌های فردی و اجتماعی شهروندان در فضا را دارد که همگی از عوامل اصلی سازنده یک شهر خوب و هویت شهری معنادار است.

یافته‌های پژوهش به ما نشان داد که بر اساس آزمون تی‌تست، خیابان آبرسان در عین دارا بودن وضعیت میانگین مناسب در مولفه‌های ارائه شده هویت مکان بر مبنای نظر کاربران متغیرهای دسترسی و میزان نفوذپذیری با میانگین (۳/۸۴)، فضای تجربی و روانی افراد با میانگین (۳/۶۴)، کیفیت زیباشناختی و بصری فضا با میانگین (۳/۱۰)، کیفیت مبلمانی خیابانی شهر با میانگین (۳/۰۱)، حس تعلق به مکانی با میانگین (۲/۹۴)، تنوع فعالیت‌های مردم در فضا با میانگین (۲/۸۹)، سبک زندگی ساکنین با میانگین (۲/۷۷)، تصویر ذهنی از فضا با میانگین (۲/۷۰)، احساس امنیت در فضای خیابان با میانگین (۲/۶۶)، اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری با میانگین (۲/۵۳) به ترتیب بیشترین تا کمترین میانگین را به دست آوردند. اما همین روند در خیابان شریعتی، متغیرهای کیفیت زیباشناختی و بصری فضا با میانگین (۳/۸۵)، تصویر ذهنی از فضا با میانگین (۳/۷۸)، کیفیت مبلمانی خیابانی شهر با میانگین (۳/۷۵)، احساس امنیت در فضای خیابان با میانگین (۳/۶۶)، حس تعلق به مکانی با میانگین (۳/۶۰)، فضای تجربی و روانی افراد با میانگین (۳/۸۳)، سبک زندگی ساکنین با میانگین (۳/۵۴)، تنوع فعالیت‌های مردم در فضا با میانگین (۳/۵۲)، دسترسی و نفوذپذیری (۳/۵۰) اجتماع‌پذیری و میزان جمعیت‌پذیری با میانگین (۳/۳۵) به ترتیب میانگین بهتری در خیابان شریعتی را دارد، تنها متغیری که آبرسان در آن دست بالا را دارد متغیر دسترسی و میزان نفوذپذیری است با میانگین (۳/۷۵) به سود خیابان آبرسان و (۳/۵۰) در شریعتی است؛ و این امر بدین علت است که خیابان شریعتی در بافت سنتی شهر تبریز قرار دارد که ریزدانی و فشردگی این بافت، امکان ایجاد شبکه‌های وسیع راهی به مانند بزرگراه، مترو و مانند آنها به سان آبرسان را اجازه نمی‌دهد و یا حداقل استدلال این است که ساخت این پروژه‌های بزرگ مقیاس توسط مدیران و برنامه‌ریزان شهری را با هزینه‌های فراوان قانونی، حقوقی، مالی و... در گذر تاریخ مواجه ساخته است، همچنانکه ایجاد طرح زوج و فرد کردن ورود خودروها به داخل آن از سال ۱۳۹۸، حکایت از این سخن نیز دارد. اما در کل الگوی متفاوت در شکل‌گیری هویت مکان و برتری خیابان شریعتی نسبت به آبرسان در تمامی مولفه‌های دیگر را اینگونه می‌توان تبیین کرد که خیابان شریعتی در تاریخ توسعه خود، دارای قدمت بیش از آبرسان است، این خیابان در سالیان گذشته، شاهد ورود مظاهر مدرنیته در بافت شهری سنتی خود بوده است، حضور کنسولگری - های کشورهای مختلف، نزدیکی به بازار بزرگ تبریز و جذب میزان انبوهی از جمعیت، ظهور سینماها، کافی‌شاپ‌ها، قهوه‌خانه‌ها، عکاسی‌ها و هنرهای مدرن، مدارس، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های علمی و هنری (موسیقی، نقاشی و به مانند آن)، پخش جغرافیایی فرهنگ و تکنولوژی‌های مدرن، جمعیت ساکن آرامنه و ترکیب آن با مسلمانان در گذر زمان و زیستن مسالمت‌آمیز آنها در کنار هم، سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی، توجه سازمان‌ها و نهادهای شهری و شهردای تبریز پیرامون کیفیت مبلمان خیابانی آن در فصول مختلف، وجود مراکز خرید، پاساژها و غذاخوری‌های سنتی و مدرن، همراه با تنوع زیادی از فعالیت‌های تجاری، درمانی، اداری و غیره، دارا بودن بناها و ساختمان‌های تاریخی، مذهبی و سکولار با معماری و کیفیت زیباشناختی و بصری متناسب در بافت خود را بازنمایی می‌کند، که همگی بر تولید خاطره مکانی بسیار زیاد در میان افراد ساکن و کاربر آن، یک فضای تجربی و روانی، و حس تعلق مکانی خاصی را برای افراد ایجاد کرده که نمود آن را می‌توان در نوشتارها، زندگینامه‌ها، شعرها، وبلاگ‌ها، شبکه‌های اجتماعی و... مشاهده کرد.

که چنین نقشه‌نگاری مکانی بر اساس مطالعات نگارندگان در شریعتی به واقع بسیار بیشتر از آبرسان است، و اینکه در گذر تاریخ توسعه خود، این بخش از شهر، مدرنیته را عمیقاً در عینیت، بینادهنیت و ذهنیت کاربران و شهروندان تبریزی درونی کرده که چنین محبوبیت و جذابیتی در افکار مردمانش به دست آورده است. اما با وجود این، خیابان آبرسان نیز به دلیل حضور دانشگاه تبریز و سایر مراکز آموزشی، درمانی، فعالیت‌های متنوع تجاری، اداری مدرن در قالب مراکز خرید، پاساژها، کافی‌شاپ‌ها و غیره دارای هویت مکان مخصوص به خود است و هواداران و طرفداران خاص خود را دارد. همچنین آبرسان قدرت مکانی سیاسی و فرهنگی ویژه خود را دارد که در هیچ خیابانی در شهر تبریز و حتی خود خیابان شریعتی چنین روندی نمی‌تواند رخ دهد. از این منظر، آبرسان نسبت به سایر خیابان‌ها با هویت مکان متفاوتی ظهور کرده و بالیده است، و در طی زمان مرزی برای خود ترسیم کرده است. در حالت کلی چنین می‌توان گفت که شکل‌گیری مولفه‌های هویت مکان در دو بافت سنتی و مدرن شهری از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند؛ این امر نشان می‌دهد که نوع بافت (سنتی و مدرن)، تاثیر زیادی در شکل‌گیری هویت مکان دارد، به طوری که بافت سنتی نسبت به بافت مدرن، در توسعه و یا ایجاد هویت مکان تاثیرگذارتر است و بیشتر منجر به شکل‌گیری هویت مکان می‌شود، بنابراین ابعاد هویت مکان، در هر دو بافت سنتی و مدرن، به میزان متفاوتی معرف هویت مکان هستند. به عبارت دیگر، از ده شاخص یا مولفه ارائه شده برای بررسی تطبیقی در فضای هر دو خیابان شریعتی و آبرسان صدق می‌کند، اما با توجه به اینکه خیابان شریعتی در کیفیت این ده مولفه برخوردارتر و بهتر خود را بازنمایی کرده، چنین استدلالی موجه است که خیابان شریعتی بیشتر نزدیک به نظریات هویت مکان صاحب‌نظرانی چون جین جیکوبز، کوین لینچ، ادوارد رلف و غیره را داراست؛ بنابراین خیابان شریعتی در بافت سنتی با توجه با اینکه در آزمون تی‌تست نیز این امر تایید شد، وضعیت برخوردارتری نسبت به آبرسان در بافت مدرن شهر تبریز دارد و بیشتر به تولید هویت مکان در بافت سنتی خود کمک می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر با نتایج تحقیق دانشپور (۱۳۷۹) در مطالعه خیابان انقلاب تهران که استدلال نموده هویت محیط مصنوع در حقیقت بازتاب خود جمعی است و نیز نتایج تحقیق دینکا (۲۰۱۵) در مقایسه خیابان‌های سنتی، مدرن، و پست‌مدرن شهر آمستردام که در آن چنین دیدگاهی را پیش رو گذاشته که پس از دهه ۱۹۹۰ با ظهور الگوهای نوشهرگرایی و شهرسازی پست‌مدرن، فضاهای عمومی کارکردهای اصلی خود یعنی حرکت، تفریح و دسترسی به مکان‌های مختلف شهر را بازیافته و تبدیل به مکان‌هایی دارای روح شده‌اند و به طور ضمنی نتیجه می‌گیرد که الگوهای شهرسازی پست‌مدرن، همراهی بیشتری با سرزندگی فضای عمومی دارند، همسو بوده است؛ همچنین پژوهش کنونی همسو با نتایج تحقیقات غفاری سروستانی (۱۳۸۹) و کاشی و بنیادی (۱۳۹۲)، عبدالرحمان (۲۰۱۵) است که طی آن، ربط و نسبت وثیقی میان حضور و رضایتمندی شهروندان و گذر از فضا به مکان در فضاهای عمومی شهری وجود دارد، بدین معنا که استفاده مداوم کاربران شهر در گذر زمان در ایجاد تعاملات اجتماعی و هویت‌یابی مکان در سطوح جمعی با توجه به مولفه‌هایی چون جذابیت خیابان، تنوع فعالیت‌ها، وجود مجاورت، وجود آشنایی قبلی با محیط، طولانی بودن میزان تعامل با فضای عمومی و فضاهای سبز، میزان خدمات عمومی، مدت توقف در مکان و آزادی عمل مردم در انجام فعالیت‌های دلخواهشان، نقش بی‌بدیلی در این باب بازی می‌نماید. همچنین می‌توان بیان داشت که با نگاه به مطالعات و بررسی پیشینه‌های پژوهش، نشان از آن دارد که در عموم این تحقیقات، بسیاری از شاخص‌های مرتبط با هویت مکان مورد بررسی قرار نگرفته است؛ از سوی دیگر یادآور بایستی شد که بیشتر تحقیقات مهم در حوزه هویت مکان، حالت نظری داشته و این مساله را می‌توان از طریق دقت در عنوان پژوهش‌ها به خوبی متوجه شد، در حالی که کمتر پژوهشی به صورت مطالعه موردی در زمینه هویت مکان انجام شده است و آنچه که انجام گرفته اکثراً مرتبط با مفاهیم و مولفه‌های حس مکان مورد تحلیل قرار گرفته است؛ و اینگونه است که مطالعات بسیار اندکی در خصوص پیوند دو زمینه پژوهشی «فضاهای عمومی» و «مولفه‌های مکان» صورت گرفته که از این منظر پژوهش حاضر می‌تواند گام موثری در پر کردن این خلاء پژوهشی داشته باشد.

پیشنهادی که در پایان ارائه می‌گردد در ابتدا با این استدلال آغاز می‌شود که امروزه در بسیاری از شهرها، دانشگاه‌ها از قدیمی‌ترین مکان‌ها به شمار می‌آیند که می‌توانند تاریخی بودن شهر را معنا کنند. اصولاً ساختمان دانشگاه‌ها، بخشی از هویت شهر محسوب می‌شوند، اما در ایران متاسفانه ساختمان‌ها و فضاهای دانشگاه‌ها همواره به عنوان فضایی بسته و خصوصی درک شده‌اند، جایی که مختص ورود دانشجویان و استادان همان دانشگاه است. این در حالی است که دانشگاه باید جایی برای عموم باشد، برای آدم‌هایی که از سر



کنجکاوی بخواهند درست مانند میدان، خیابان شهر یا سایر فضاهای شهری، آن را ببینند و از آن بازدید کنند، جایی که می‌توانند به شکل فضای باز عمومی برای توریست‌ها، بازنمایی هویت شهری، ثبت خاطرات جدید و تجدید خاطره نسل‌های گذشته از آن تلقی شود، یا جایی برای دیدن و بازنمایی رویاهای جوانان ایرانی تبدیل شود. اساسا برای تحقق این امر و دسترسی بدان، با برداشتن دیوارهای دانشگاه این مهم ممکن می‌شود، پیامد و نتیجه این روند، نیز شیرین است، زیرا از این طریق، مسائل دانشگاه هم تغییر خواهند کرد، شور زندگی به آن باز خواهد گشت، مردم عادی از درون آن عبور خواهند کرد، شاید لختی هم در آن استراحت کنند، دانشجویان خود را ایزوله نخواهند کرد، و استادان نیز که صرفا بین فضای بسته خانه و فضای بسته محل کارشان تردد می‌کنند، شاید با جامعه آشتی کنند. بر این مبنا پیشنهاد می‌شود که دانشگاه تبریز در پیرامون آبرسان، به بخشی از فضای عمومی شهری آن تبدیل گردد. این امر برای سایر خیابان‌های موجود در شهر تبریز به مانند خیابان شریعتی که دارای دانشگاه‌های خصوصی و دولتی هستند نیز صدق می‌کند. روشن است که چنین فرایندی از طریق پیگیری و همکاری وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری، شورای و شهرداری تبریز و نیز هماهنگی با سایر نهادهای مرتبط میسر می‌شود و پیامد آن باعث خواهد شد که عنوان «شهر اولین‌ها» برای تبریز در این ساحت نیز در زبان و کلمات، رستاخیز دوباره یافته و احیا گردد، و الگویی خوب و پیش‌تازانه برای شهرهای دیگر ایران شود. پیامدهای دیگر این روند زمینه‌ای می‌گردد تا سایر سازمان‌ها و نهادهای دیگر در سطح شهر تبریز نیز برای ترغیب عمومی کردن برخی فضاهای تاریخی و مهم خود همت گمارند، و گامی در جهت اجرای مفهوم «حق به شهر» و «عدالت فضایی و اجتماعی»، و همچنین تقویت و برجستگی هویت مکان خیابان‌ها برداشته شود.



منابع

- ارباب، پارسا؛ عزیزی، محمدمهدی؛ زبردست، اسفندیار (۱۳۹۴). تبیین معیارهای کلیدی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید (مطالعه موردی: منطقه ۲۲ تهران)، *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۰(۴): ۵-۲۰.
- بردی‌آنامرادنژاد، رحیم؛ رازقی، فرزانه؛ آروین، محمود (۱۳۹۸). ارزیابی مولفه‌های کیفیت فضا در پیاده‌راه‌های شهری (نمونه موردی: پیاده‌راه فرهنگی رشت)، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۷۶(۲): ۶۹-۸۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- حسین‌آبادی، سعید (۱۴۰۰). تحلیل تاثیر عوامل کالبدی - فضایی بر میزان پیاده روی شهروندان، مورد مطالعه: محلات شهر قائن، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۶۹(۳): ۶۹-۸۶.
- دانشپور، عبدالهادی. «بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان) (نمونه موردی: تهران، خیابان انقلاب)»، رساله دکترای شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران. ۱۳۷۹.
- عبداله‌زاده فرد، علیرضا؛ رحمانی، مجید (۱۳۹۵). طراحی ورودی شهرهای امروز با بهره‌گیری از هویت‌مندی شهرهای دیروز ایران، *مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری*، ۲(۲): ۳۷-۲۵.
- غفاری سروسستانی، نازنین. «گذر از فضا به مکان: ارزیابی عرصه‌های عمومی شهری (نمونه موردی: فضاهای عمومی شهر شیراز)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳۸۹.
- کاشی، حسین؛ بنیادی، ناصر (۱۳۹۲). تبیین مدل هویت مکان - حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن (نمونه موردی: پیاده‌راه شهر ری)، *نشریه هنرهای زیبا*، ۱۸(۳): ۴۳-۵۲.
- کاظمی، عباس (۱۳۹۷). دانشگاه: از نردبان تا سایبان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- گل، یان (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و زندگی جمعی. ترجمه علی غفاری و صادق سهیلی‌پور. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۹۰). طراحی شهر خرد: مبانی و چارچوب‌ها. ترجمه بهادر زمانی. تهران: دانشگاه تهران.
- نصیری، اسماعیل؛ محمدی بالینی، پرستو (۱۴۰۰). بررسی مولفه‌های کالبدی بر الگوهای رفتاری شهروندان خیابان سی تیر شهر تهران، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۷۵(۱): ۲۹۲-۲۷۹.
- Adams, P., (2005), **The Boundless Self: Communication in Physical and Virtual Spaces**, Syracuse University Press, 252p.
- Abdul Rahman, Norhafizah, (2015), **What Makes People Use the Street?: Towards a Liveable Urban Environment in Kuala Lumpur City Centre**, *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, **170(1)**: 624-632.
- Agnew, J., (1987), **Place and Politics: The Geographical Mediation of State and Society**, Allen&Unwin, 267p.
- Amundsen, A. B (2000), **Articulations of Identity: A Methodological Essay and a Report on Askim and Tidaholm**, Noord XXI Report, No.19, University of Oslo, 289p.
- Dinca, C., (2015), **The Death and Life of Great Streets: An Amsterdam Case Study**, M.A. Thesis in Urban Planning, University of Amsterdam, 88p.
- Canter, D., (1977), **The Psychology of Place**, The Architecture Press, 198p.
- Carmona, M., (2008), **Public Space: The Management Dimension**, Routledge, 232p.
- Haggett, P., (1990), **The Geographer's Art**, Basil Blackwell, 222p.
- Hague, C., (2005), **Place Identity, Participation and Planning**, Routledge, 234p.
- Holloway, L. & Hubbard, Ph., (2001), **People and Place: The Extraordinary Geographies of Everyday Life**, Prentice -Hall, 279p.
- Jacobs, J., (1961), **The Life and Death of Great American Cities**, Penguin Books, 458p.
- Kavartzis, Milhalis, Hatch, Mary J., (2013), **The Dynamics of Place Brands: An Identity-based Approach to Place Branding**, *Mark Theor*, **13(1)**: 69-86.

- Kruzhkova, Olga, (2013), **Peculiarities of Urban Architectural, Space Representations**, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 86(1), 295-300.
- Lynch, K., (1960), **The Image of the City**, The MIT Press, 194p.
- Madanipour, Ali, (2013) **The Identity of the City**, in S. Serreli (ed), City Project and Public Space, Dodrecht: Springer, 49-63.
- Montgomery, John, (1998), **Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design**, Journal of Urban Design, 3(1), 93-116.
- Pile, S., (1996), **The Body and the City: Psychoanalysis, Space and Subjectivity**, Routledge, p
- Proshansky, Harold, (1983), **Place-Identity: Physical World Socialization of the Self**, Journal of Environmental Psychology, 3(1), 57-83.
- Relph, E., (1976), **Place and Placelessness**, Pion, 156p.
- Shaftoe, H., (2008), **Convivial Urban Spaces: Creating Effective Public Places**, Earthscan, 160p.
- Springer, S., (2010), **Cambodia's Neoliberal order: Violence, Authoritarianism, and the Contestation of Public Space**, Routledge, 206p.
- Ujang, Norsidah, (2009), **Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity**, Procedia-Social and Behavioral Sciences, 49(1), 156-167.

